

# اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی مؤثر بر کاهش اقتصاد پنهان و گسترش بخش رسمی

دکتر فتح‌اله تازی\*

سعید غلامی باغی\*\*

تاریخ دریافت ۸۷/۷/۱۵ | تاریخ پذیرش ۸۷/۹/۱۲

تبلور اقتصاد پنهان و افزایش سهم آن در اقتصاد هر کشور، زمینه‌ساز ایجاد و بروز ظرفیت‌های بسیاری برای فساد اقتصادی است. از طرف دیگر، می‌توان این پدیده را معلول فساد اقتصادی نیز دانست. با توجه به آثار و عواقبی که گسترش این بخش بر روند توسعه اقتصادی کشور دارد، رفع عوامل مؤثر بر توسعه این بخش و ارائه راهکارهایی برای گسترش اقتصاد رسمی اهمیت فراوان دارد.

این مطالعه با محور قرار دادن شاخص‌های فضای کسب و کار به‌عنوان شاخصی از تمامی عوامل مؤثر بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی در بخش رسمی، به بررسی رابطه اصلاح هر کدام از ۱۰ شاخص فضای کسب و کار با اقتصاد پنهان و زیرزمینی می‌پردازد، تا با اولویت‌بندی آنها در سطوح مختلف بتوان از راهکارهای اصلاح هر شاخص فضای کسب و کار به‌عنوان راهکارهایی ریشه‌ای و مستمر و پایدار برای مبارزه با مفسد اقتصادی استفاده کرد.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که اصلاح تمامی ۱۰ شاخص فضای کسب و کار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر توسعه بخش رسمی و کاهش حجم اقتصاد پنهان مؤثر است. در میان ۱۰ شاخص مذکور در این مقاله می‌توان سه شاخص پرداخت مالیات، اشتغال نیروی کار و تجارت خارجی را به‌عنوان اولویت‌های فضای کسب و کار برای کاهش اقتصاد پنهان در نظر

\* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی؛

E-mail: tarifath@gmail.com

\*\* پژوهشگر گروه بازرگانی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: gholami@research.majlis.ir

گرفت؛ زیرا اثرگذاری آنها به صورت مستقیم است و مطابق بررسی این مقاله تأثیر آنها در فضای کسب و کار بر اقتصاد زیرزمینی در قیاس با سایر شاخص‌ها بیشتر است. اصلاح قوانین و مقررات تنظیمی این سه حوزه، خود راهکاری مؤثر در کاهش حجم اقتصاد پنهان محسوب می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد پنهان؛ اقتصاد زیرزمینی؛ بخش غیررسمی؛ بخش رسمی؛ شاخص‌های فضای کسب و کار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

یکی از موضوعات اساسی که در زمینه فساد اقتصادی مطرح است، توسعه بخش غیررسمی و اقتصاد پنهان و همچنین کوچک و محدود شدن فعالیت بنگاه‌های اقتصادی در بخش رسمی است. گسترش و ادامه این روند، اقتصاد کشور را با معضلاتی جدی مواجه می‌سازد و به نقش دولت در جامعه آسیب می‌زند، قدرت برنامه‌ریزی و پیش‌بینی را از جامعه می‌گیرد و با بسط محدودیت بر بخش‌های مختلف، رشد اقتصادی کشور را محدود می‌کند. این پدیده را می‌توان مولود و معلول شرایط نامناسب حاکم بر فضای کسب و کار بنگاه‌های اقتصادی دانست، زیرا در فضایی که فعالیت بنگاه‌ها در بخش رسمی در بردارنده مراحل اداری پیچیده و دست‌وپاگیر باشد، انجام این مراحل هزینه‌های فراوانی را به بنگاه تحمیل می‌کند و زمانی طولانی برای پیمودن آنها تلف می‌شود. تشدید این شرایط، بنگاه را از بخش رسمی خارج می‌سازد و بنگاه ترجیح می‌دهد که فعالیت خود را در بخش غیررسمی ادامه دهد. اصلاح فضای نامساعد تحمیلی به بنگاه‌های اقتصادی در قالب اصلاح شاخص‌های فضای کسب و کار می‌تواند موجب ایجاد مزیت برای فعالیت در بخش رسمی شود و در کاهش سهم اقتصاد پنهان و بخش غیررسمی در اقتصاد مؤثر باشد. یکی از راهکارهای تأثیرگذار در گسترش بخش رسمی اقتصاد و جلوگیری از فساد، آسیب‌شناسی فضای انجام کسب و کار در بخش‌های مختلف کشور است.

اقتصاد پنهان به‌طور کلی به بخشی از فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که یا به دلیل فقدان اطلاعات کافی محاسبه‌شدنی نیست، یا اینکه به دلیل غیرقانونی بودن در حساب‌های ملی در نظر گرفته نمی‌شود. بنابراین می‌توان فعالیت‌های اقتصادی خارج از اقتصاد رسمی را در زمره اقتصاد زیرزمینی یا اقتصاد پنهان به‌شمار آورد. فعالیت مخفیانه اقتصادی، یا به دلیل غیرقانونی بودن موضوع فعالیت است که به‌طور مستقیم در زمره فساد قانونی قرار می‌گیرد و یا به دلیل اجتناب از مقررات تنظیمی و فرار از قوانین و مقررات اقتصادی حاکم بر بخش رسمی است که فساد اقتصادی قلمداد می‌شود.

آثار گسترش اقتصاد پنهان بسیار متنوع و مخرب است، که در این مقاله به اختصار بر آنها تأکید می‌شود؛ ولی هدف اصلی از این مطالعه دستیابی به نکات و راهکارهایی کاربردی و اولویت‌بندی آنها برای توصیه به سیاست‌گذاران است. احصای قوانین و مقرراتی که اصلاح آنها نقش عمده‌ای در کاهش اقتصاد پنهان دارد، می‌تواند مسیر برنامه‌ریزی و جهت اصلاحات اقتصادی را برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران شفاف سازد. به‌جز فعالیت‌های غیرقانونی که در محدوده بررسی این مقاله نیستند، دلیل عمده انتقال فعالیت‌های رسمی به اقتصاد پنهان و یا ارجحیت فعالان اقتصادی به انتخاب فضای اقتصاد پنهان را می‌باید در شرایط فضای کسب و کار بنگاه در بخش رسمی جست‌وجو کرد.

در اقتصادی که شروع کردن فعالیت برای بنگاه‌ها بسیار مشکل و پردردسر است و به تعداد زیادی مجوز رسمی نیاز دارد که گرفتن‌شان به‌راحتی میسر نیست، قوانین و مقررات استخدام و اخراج نیروی کار بسیار انعطاف‌ناپذیر و سخت است، مراحل ثبت رسمی دارایی‌ها نیز در آن، پرهزینه و زمان‌بر است، و امکان دریافت تسهیلات مالی و منابع مورد نیاز بنگاه میسر نیست. دیگر اینکه از سرمایه‌گذاران خرد و کوچک حمایت نمی‌شود، پرداخت مالیات سهم عمده‌ای از سود بنگاه را به‌خود اختصاص می‌دهد، امکان تجارت با خارج از قلمرو گمرکی زمان‌بر و پرهزینه و پردردسر است، ضمانتی برای اجرای قراردادها وجود ندارد و فعالان اقتصادی نمی‌توانند از قواعد بی‌دردسر ورشکستگی استفاده کنند و فعالیت و سرمایه‌شان را به بخش‌های دارای مزیت منتقل سازند، در چنین اقتصادی مسلم است که مطلوبیت فعالیت در بخش رسمی به‌شدت کاهش می‌یابد و فعال اقتصادی به‌دلیل پرهیز از مقررات دست‌وپاگیر تنظیمی، از منافع ناشی از فعالیت در بخش رسمی می‌گذرد و ترجیح می‌دهد که فعالیت خود را به اقتصاد پنهان منتقل سازد.

مجموعه عوامل یاد شده همان شاخص‌های فضای کسب و کار را تشکیل می‌دهند که در این مقاله به بررسی رابطه هر کدام از آنها با توسعه بخش رسمی و کاهش اقتصاد پنهان از طریق مبارزه ریشه‌ای و پایدار با فساد اقتصادی اشاره می‌شود.

توجه به این موضوع آنگاه اهمیت بیشتری پیدا می کند که براساس بند «الف» سیاست های کلی اصل چهل و چهار قانون اساسی ابلاغی به وسیله مقام معظم رهبری (سیاست های کلی اصل چهل و چهار قانون اساسی ج.ا.ا، ۱۳۸۴)، مقرر شده است از طریق ارائه راهکارهایی به منظور آسان سازی و روان سازی فعالیت بنگاه ها در فضای رقابتی اقتصاد، به تدریج از سهم بالای بخش دولت در اقتصاد کاسته شود و جاذبه مناسبی برای فعالیت بخش خصوصی ایجاد گردد.

در شرایطی که کشور به سوی اصلاحاتی اساسی در اقتصاد و تعامل میان بخش خصوصی و بخش دولتی گام برمی دارد، جلوگیری از گسترش اقتصاد زیرزمینی و ایجاد مطلوبیت برای بخش خصوصی به منظور فعالیت در بخش رسمی، گامی اساسی و مهم تلقی می شود. در این میان قوه قانون گذاری وظیفه دارد با نگاهی باز و جامع، کلیه قوانین و مقررات مربوط به حوزه فضای کسب و کار را مورد نظر قرار دهد و پیرو رهنمود مقام معظم رهبری در ابلاغیه سیاست های کلی اصل چهل و چهار قانون اساسی، مشکلات قانونی مربوط را برطرف سازد. مقاله حاضر تا جایی که ممکن است، بر شفاف سازی فضای حاکم بر این روند می کوشد.

## ۱ بررسی موضوع

چادوری و دیگران (Chaudhuri and etal, 2006, pp. 428-443)، با استفاده از اطلاعات استانی در هند نشان دادند که به طور متوسط اندازه بخش اقتصاد پنهان این کشور، در پی آزادسازی اقتصادی طی سال های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲ کاهش پیدا کرد. بررسی حاکی از آن بود که اندازه اقتصاد پنهان طی سال های یاد شده، ۴ درصد از سایر سال ها کمتر بوده است. به علاوه، در استان هایی که دولت ائتلافی قدرت بیشتری داشت، اندازه آن کوچک تر بوده است. همچنین رشد تعداد روزنامه ها و باسوادی به عنوان شاخص های مبین شفاف تر شدن حکمرانی، موجب محدودتر شدن فعالیت های اقتصادی سایه ای شده است. کول (Cule, 2006)، ضمن تمرکز بر سازمان های مالیاتی و گمرکی در اقتصاد کشور

آلبانی، محرک‌هایی را که سبب تقلب و فساد مالیاتی می‌گردید بررسی کرد. نتایج حاصل از مدل نشان داد که فساد اداری در بین بازرسان مالیاتی می‌تواند اقتصاد غیررسمی را دائمی کند و سبب تداوم سایر فعالیت‌های مرتبط با فساد شود. در چنین شرایطی اگر تقلب و یا شرکت در فساد هزینه‌های زیادی برای بنگاه و بازرسان مالیاتی داشته باشد، بازرسی قوی و جرائم شدید می‌تواند مانعی بر سر راه تقلب به‌شمار آید.

باتاچاریا (Bhattacharyya, 1999) در مقاله خود عنوان کرده است که وجود اقتصاد پنهان می‌تواند موجب انحراف در روابط بین متغیرهای مختلف اقتصادی شود و بنابراین برای سیاست‌گذاری اهمیت دارد. به نظر او، هرچند گفته می‌شود اقتصاد پنهان آن بخش از اقتصاد است که از مالیات فرار می‌کند، اما همه اقتصاد پنهان این نیست. مثلاً کسانی که در خانه کار می‌کنند در آمد مختصری نیز به دست آورند، اما از این درآمد نمی‌توان مالیات گرفت، و با این حال چنین چیزی در بخش اقتصاد پنهان جای می‌گیرد. وی روشی را برای تحقق بخشی اقتصاد پنهان پیشنهاد کرد و آن را در بخش صنعت هند به کار گرفت. نتایج نشان داد که رشد فساد بستگی مستقیم به رشد قیمت محاسبه نشده اقتصاد در بخش صنعت دارد و با توجه به آمار کشفیات پلیس دوام نیز یافته است. همچنین نشان داد مخارج مصرف‌کنندگان برای کالاهای بادوام، بستگی به بخش اقتصاد پنهان دارد، که کاهش این بخش می‌تواند میل به خرج کردن را کاهش دهد.

دایانا فال، از مدیران مؤسسه جهانی مک کنزی،<sup>۱</sup> ضمن ارائه مقاله‌ای در خصوص اقتصاد پنهان (<http://bashgah.net/pages-6371.html>)، ابعاد و چالش‌های این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به این نکته اشاره کرده است که به‌رغم اینکه فعالیت‌های غیررسمی از جدی‌ترین معضلات اقتصادی است، ولی تاکنون ابعاد آن به نحو مطلوب مورد بررسی قرار نگرفته است. افزون‌بر آن، چالش‌هایی که فعالیت بنگاه‌ها در بخش غیررسمی به واسطه عدم رعایت تعهدات قانونی و مالی ایجاد می‌کند نیز به‌درستی شناخته

1. Mckenzy

نشده است. این بررسی به عوامل عمده‌ای که موجب تداوم فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی می‌شود اشاره می‌کند و آن را معلول ضعف نیروی انسانی و سازمان‌دهی در نهادهای انتظامی، کم‌رنج بودن جرائم برای متخلفان و ضعف قوه قضائیه، هزینه‌های مرتبط با فعالیت‌های رسمی و هنجارهای اجتماعی<sup>۱</sup> می‌داند.

دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲) نیز با انجام مطالعه‌ای با استفاده از الگوی منطق فازی، مطالعه‌ای را در خصوص برآورد اقتصاد زیرزمینی و علل شکل‌گیری آن انجام داده است. در بخش نتایج و تحلیل این گزارش، به دو عامل اصلی به‌عنوان عواملی که منجر به گزارش نشدن فعالیت‌های اقتصادی می‌شود و آنها را به اقتصاد زیرزمینی منتقل می‌کند اشاره شده است. این دو عامل اینها هستند: فرار از مالیات و فرار از مقررات بیش از حد، شامل بوروکراسی و هزینه بالای مبادله. در این زمینه شاخص‌هایی همچون بالا بودن نسبت مالیات به تولید ناخالص ملی و بالا بودن شاخص درجه مقررات می‌تواند به خوبی اقتصاد پنهان را در ایران توجیه کند.

در مطالعه‌ای دیگر (رفعتی، ۱۳۷۶)، یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد پنهان و بخش زیرزمینی اقتصاد، تجارت و بازرگانی و دادوستد کالا در بخش غیررسمی است که به آن قاچاق کالا نیز می‌گویند. بوروکراسی بالا و مقررات دست‌وپاگیر گمرکی و مشکلات مرتبط با سیاست‌های تجاری - از قبیل موانع تعرفه‌ای - و غیرتعرفه‌ای موجب شده است در بخشی از تجارت کشور در صادرات و واردات، از مبادی غیررسمی استفاده شود و یا کالا از مبادی رسمی ولی به صورت غیرقانونی عبور داده شود.

گزارش «انجام کسب و کار در سال ۲۰۰۶ (ایجاد مشاغل)» (World Bank, 2006) و گزارش «انجام کسب و کار در سال ۲۰۰۷ (چگونگی اصلاحات)» (Word Bank, 2006) از گزارش‌های سالانه بانک جهانی هستند و با استفاده از اطلاعات انجام کسب و کار به بررسی مقرراتی می‌پردازند که فعالیت کسب و کار را ارتقا می‌دهند و یا آنها را محدود

می‌کنند. شاخص‌های انجام کسب و کار<sup>۱</sup> در این گزارش‌ها به ۱۰ حوزه مجزا تقسیم می‌شوند، که اصلاح فضای کسب و کار در گرو اصلاح هر کدام از این حوزه‌هاست. این گزارش‌ها بعد از مروری بر فضای کسب و کار در ۱۰ فصل مجزا به شاخص‌های انجام کسب و کار اشاره می‌کنند و در هر قسمت مشخص می‌سازند که از میان کشورهای مورد بررسی کدام کشورها به اصلاحاتی در این شاخص‌ها دست زده‌اند و چه اقداماتی را انجام داده‌اند و دلایل این اقدامات چه بوده است.

نکته مهمی که در این گزارش‌ها بر آن تأکید شده آن است که مراحل اداری پیچیده و هزینه‌های تحمیلی باعث می‌شود که ورود بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی به بخش رسمی، پرهزینه و سخت شود. کارآفرینان و بنگاه‌ها با اجرای اصلاحات در ۱۰ محور پیشنهادی آن گزارش، می‌توانند به ایجاد ثروت در فضای کسب و کار پردازند (خیرخواهان، ۱۳۸۶).

با بررسی مطالعات مختلف مشاهده می‌شود که مهم‌ترین عامل انتقال بنگاه‌ها به بخش غیررسمی در مطالعات مختلف با توجه به تمرکز محقق، به مسائل و حوزه‌های مختلف مربوط می‌شود. در برخی از مطالعات فرار مالیات محور مطالعه قرار می‌گیرد و مشکلات نظام مالیاتی به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال شرکت‌ها به اقتصاد زیرزمینی معرفی می‌شوند؛ ولی در برخی دیگر بخش پنهان اساساً جزو پدیده‌های بازار کار و ماحصل مازاد نیروی کار برشمرده می‌شود، و فساد و بوروکراسی و ضعف نظام‌های حقوقی و نهادهای عهده‌دار هدایت اقتصاد از جمله دلایل تشکیل فعالیت‌های غیررسمی معرفی می‌شوند. مطالعات دیگری نیز نارسایی موجود در بخش تجارت و پیچیدگی تشریفات تجاری را عمده‌ترین دلیل ورود بنگاه‌ها به بخش زیرزمینی تجارت و قاچاق معرفی می‌کنند.

## ۲ بخش غیررسمی، نمادی از اقتصاد پنهان و زیرزمینی

اقتصاد پنهان<sup>۲</sup> قسمتی از فعالیت‌های اقتصادی است که در حساب‌های ملی محاسبه

1. Doing Business Indicators

2. Hidden Economy



نمی‌شود. هدف اصلی از انجام معامله در اقتصاد پنهان در بسیاری از مطالعات، گریز از پرداخت مالیات است. هرچه سطح رشد و توسعه یافتگی در کشورها فزونی می‌گیرد، توجه و دقت آنها به اقتصاد پنهان نیز بیشتر می‌شود، زیرا در کشورهای توسعه نیافته به دلایل گوناگونی چون ضعف نظام آماری و نظایر اینها، عمده فعالیت‌ها در حساب‌های ملی محاسبه نمی‌شوند و احصای اقتصاد پنهان معنای دقیقی نمی‌یابد. به‌طور متوسط در حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی پیشرفته را اقتصاد پنهان تشکیل می‌دهد (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، ص ۷).

بخش عمده‌ای از معاملات مربوط به بازار سیاه<sup>۱</sup> در اقتصاد پنهان انجام می‌شود. بازار سیاه شامل فعالیت غیرمجاز اقتصادی است که در اصطلاح به آن اقتصاد غیرمجاز<sup>۲</sup> نیز می‌گویند (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۱۹۵). به این نوع اقدامات و فعالیت‌های پنهان که به‌طور عمده به منظور عدم پرداخت مالیات در خارج از اقتصاد رسمی صورت می‌گیرند، بخش غیررسمی اقتصاد و اقتصاد زیرزمینی نیز گفته می‌شود (قره‌باغیان، ۱۳۷۶، ص ۶۹).

اقتصاد پنهان مجموعه‌ای از فعالیت‌های و مبادلات اقتصادی است که ممکن است حسب مورد قانونی یا غیرقانونی باشند، اما به دلیل آنکه گزارش نمی‌شوند، اندازه‌گیری نیز نمی‌شوند. فقدان گزارش برای فرار از مالیات یا مقررات بیش از حد پیچیده و دست‌وپاگیر به دلیل بالا بودن درجه تنظیم‌کنندگی دولت و یا حتی فقدان شبکه گزارش‌گیری است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲).

مفهوم اقتصاد غیررسمی که اولین بار به وسیله سازمان جهانی کار<sup>۳</sup> در اوایل دهه ۱۹۷۰ معرفی شد، به فعالیت‌هایی مربوط می‌شود که تحت ساختار بخش‌های رسمی سازمان‌دهی نشده‌اند و طبقه‌بندی‌شدنی نیستند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸). این بخش همواره به‌عنوان بخشی غیرمولد تلقی شده است، اما امروزه توجه اقتصاددانان حوزه

---

1. Black Market  
2. Black Economy  
3. International Labour Organization (ILO)

بازار کار به بخش غیررسمی اقتصاد برای ایجاد اشتغال افزایش یافته است.<sup>۱</sup> به اعتقاد آنان، هرچند در بخش غیررسمی بازدهی نیروی کار کمتر از بخش رسمی است، اما به هیچ عنوان نزدیک به صفر نیست و می‌توان از این بخش برای افزایش اشتغال و ایجاد درآمد به نحو مؤثری سود جست (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹).

در متون اقتصادی، تعبیر اقتصاد پنهان در کنار تعابیر اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد رسمی و مانند اینها به کار برده می‌شود. در عرف عمومی، عبارت غیررسمی رفتارهایی را دربرمی‌گیرد که به‌طور نسبی فاقد قاعده رفتاری هستند. قاعده رفتاری به معنای دارا بودن نظم، پیش‌بینی‌پذیر بودن، تجدیدپذیری و قابل تصرف بودن (Hart, 1987). البته بسیاری از اقتصاددانان فعالیت‌های جنایی و جزایی مانند دزدی و کلاهبرداری و نظایر اینها را جزء اقتصاد پنهان نمی‌دانند و فعالیت‌های اقتصادی را که در بخش نامنظم انجام می‌شوند، در زمره این تعریف برمی‌شمارند. یعنی در واقع حد و مرز تفکیک بین فعالیت در اقتصاد رسمی و غیررسمی در این حوزه بسیار مشکل است. از این رو معیارها و اصول مشخصی برای فعالیت رسمی اقتصادی تعیین شده است که نقض هر کدام از آنها می‌تواند فعالیت پنگاه را به بخش غیررسمی منتقل کند. در اشاره به این اصول می‌توان مواردی مانند اصول مجاز بودن فعالیت، اخلاقی بودن فعالیت، قابل اندازه‌گیری بودن، قابلیت درآمدزایی و عدم تضاد با نظام اقتصادی حاکم بر جامعه را برشمرد. اقتصاددانان با توجه به موارد پیش گفته، حوزه فعالیت اقتصاد غیررسمی را در چهار بخش بدین شرح تقسیم‌بندی می‌کنند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲):

۱. بخش خانوار: تولید کالاها و خدماتی که در همان خانوار مصرف می‌شوند. این فعالیت‌ها به دلیل محدود بودن و کم‌ارزش بودن و وارد نشدن به بازار معمولاً محاسبه نمی‌گردند و در حساب‌های ملی دیده نمی‌شوند.

۲. بخش غیررسمی: تولیدکنندگان جزء و کوچک و فعالان حوزه اشتغال غیررسمی که

۱. برای اطلاعات بیشتر، ن.ک. گزارش «نقدی بر رهنمودهای اشتغال و بازار کار در برنامه سوم» دفتر مطالعات

اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش ۴۱۰۴۶۴۷.

محصول خود را در بازار ارائه می کنند ولی فعالیتشان در حوزه رسمی ثبت نمی گردد و محصول آنها در حساب های ملی محاسبه نمی شود.

۳. بخش نامنظم: این بخش شامل فعالیت هایی است که اصل آنها مجاز و قانونی است ولی به علت نحوه تولید یا توزیع و یا اقداماتی چون فرار از مالیات، تقلب و مانند اینها ماهیتی غیرقانونی پیدا می کنند.

۴. بخش غیرقانونی: شامل فعالیت های غیرقانونی است که جرم محسوب می گردند و گزارش نمی شوند.

بنابراین به طور کلی فعالیت های اقتصادی به دو دلیل عمده به بخش غیررسمی منتقل می شوند:

- داشتن ماهیت غیرقانونی و مجرمانه؛ و
  - وجود مالیات بالا، هزینه های زیاد مبادله، بوروکراسی پیچیده و نظایر اینها.
- دسته اول فعالیت ها (اقدامات مجرمانه) خارج از حوزه بررسی این تحقیق اند، چون هدفی در زمینه انتقال آنها به بازار و اقتصاد رسمی وجود ندارد؛ ولی دسته دوم، یعنی فعالیت های قانونی که به هر دلیلی ترجیح داده شده است که در بخش غیررسمی صورت پذیرند، جزء فعالیت هایی محسوب می شوند که می توان آنها را به بخش رسمی اقتصاد منتقل ساخت و ضمن افزایش حجم و رشد بخش رسمی اقتصاد، بنگاه ها را از مزایای فعالیت در بخش رسمی بهره مند کرد. مهم ترین ابزاری که در این مقاله ارزیابی می شود، انجام اصلاحات در شاخص های فضای کسب و کار است.

به دلیل سهم بالای بخش غیررسمی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه و به خصوص تأثیر مستقیمی که بر اشتغال و کاهش نیروی کار بیکار دارند، هرگونه برخورد قهرآمیز و دفعی با این بخش می تواند آثاری مخرب و جبران ناپذیر به بار آورد. برعکس، انجام اصلاحات اقتصادی و حمایت ها و کمک های جبرانی و آموزشی و مانند اینها در قالب اصلاح فضای کسب و کار می تواند منجر به ورود فعالان بخش غیررسمی به حوزه رسمی اقتصاد شود و علاوه بر افزایش تولید در حساب های ملی، به رشد اشتغال در بخش رسمی

کمکی شایان کند. این امر با افزایش پایه مالیاتی و تعداد مالیات‌دهندگان منجر به افزایش درآمدهای دولت می‌شود و دولت می‌تواند با کاهش نرخ‌های مالیاتی به رونق اقتصادی بخش‌های مختلف بسیار یاری برساند. البته دولت‌ها می‌توانند در برخورد با اقتصاد غیررسمی بخش‌هایی خاص را به‌عنوان اهداف مورد نظر طبقه‌بندی کنند و در هر مرحله به اصلاح شاخص‌های مربوط به یک بخش پردازند تا بخش‌های اقتصادی را با بی‌ثباتی مواجه نکنند.

بنگاه‌های اقتصادی فعال در اقتصاد زیرزمینی به‌راحتی از انجام تعهدات قانونی و مالی خود طفره می‌روند، زیرا هیچ‌گونه نظارتی بر چگونگی انجام فعالیت‌های آنها وجود ندارد و روابط تجاری و اشتغال آنها ثبت نمی‌شود. به همین دلیل محدودیت برای بخش غیررسمی به‌واسطه اصلاح فضای کسب‌وکار را می‌توان اقدامی مؤثر در زمینه کاهش فساد اقتصادی برشمرد.

در مقایسه بخش رسمی اقتصاد با اقتصاد پنهان و بخش غیررسمی، می‌توان به این موارد اشاره کرد که بنگاه‌های فعال در بخش غیررسمی از پرداخت انواع متعدد مالیات معاف هستند، مقررات بازار کار را رعایت نمی‌کنند، هزینه‌های متعدد نیروی کار مانند بیمه‌های درمان، تأمین اجتماعی و بازنشستگی و نظایر اینها را متحمل نمی‌شوند، از محدودیت‌های مقررات بازار تولید تأثیر نمی‌پذیرند، استانداردها و مقررات فنی لازم‌الاجرا برای حفظ کیفیت کالا را رعایت نمی‌کنند، توجهی به رعایت حقوق مالکیت فکری و معنوی و رعایت حقوق ثبت اختراعات ندارند، و به کارکنان‌شان حقوق و دستمزدی پایین‌تر در قیاس با بخش غیررسمی می‌پردازند.

در عوض، این بنگاه‌ها امکان استفاده از منابع و اعتبارات مؤسسات مالی رسمی را ندارند، نمی‌توانند با شرکت‌ها و طرف‌های تجاری قراردادهای رسمی منعقد کنند، در مواقع بروز اختلافات تجاری امکان استفاده از مراجع حقوقی و قضایی برای حل اختلافات را ندارند، و جز اینها.

شرایط پیش‌گفته موجب می‌شود که بهره‌وری به‌خصوص در بخش‌های تولیدی در بخش غیررسمی به‌مراتب پایین‌تر از بخش رسمی باشد و بنگاه‌های فعال در حوزه اقتصاد

پنهان به طور محسوس در حدی ناکارا کوچک باقی بمانند. حتی اگر شرایط بهره‌وری اجازه بزرگ شدن و وسعت فعالیت‌ها را به آنها بدهد، این بنگاه‌ها مجبورند به صورت داوطلبانه بنگاه خود را کوچک نگاه دارند، زیرا بزرگ شدن این بنگاه‌ها موجب ایجاد حساسیت و جلب توجه می‌شود و فعالیت پنهانی آنها را با مخاطره مواجه می‌کند.

وجود بخش غیررسمی وسیع موجب اختلال در فضای رقابتی می‌شود و با ایجاد فضای رقابتی ناسالم و غیرمنصفانه و غیرشفاف میان بنگاه‌های فعال در بخش رسمی و غیررسمی به محدودیت فعالیت هر دو بخش دامن می‌زند.

هرچند هدف اصلی این مطالعه بررسی رابطه میان اصلاح شاخص فضای کسب و کار با کاهش اقتصاد پنهان است و قصد برآورد اندازه و حجم اقتصاد پنهان در کشور را ندارد، ولی برای پررنگ کردن اهمیت توجه به این بخش در ایران به نتایج برخی از مطالعات انجام شده در این حوزه اشاره می‌شود.

براساس مطالعات بانک جهانی (<http://bashgah.net/pages-6371.html>)، اقتصاد پنهان یا اقتصاد خاکستری نزدیک به ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی<sup>۱</sup> کشورهای با درآمد پایین را شامل می‌شود و این رقم در کشورهای با درآمد بالا در حدود ۱۷ درصد است. حدود ۸۰ درصد از نیروهای صنایع خرده‌فروشی در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند که این آمار نگران‌کننده است.

نتایج مطالعات متعددی که در مورد حجم اقتصاد زیرزمینی و نسبت آن به تولید ناخالص داخلی در کشور ما انجام شده است، ارقام متفاوتی را ارائه می‌دهد؛ ولی نتایج مطالعاتی با عنوان اقتصاد زیرزمینی (خلعتبری)، تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی (اشرف‌زاده، ۱۳۷۸) و اقتصاد سیاه در ایران (عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۰)، اعدادی در حدود ۱۰ درصد را نشان می‌دهند، که این رقم با مطالعات خارجی انجام شده در این حوزه نیز همخوانی دارد.

همان‌طور که اشاره شد، این مقاله قصد برآورد حجم اقتصاد پنهان در ایران را ندارد و

---

1. Gross Domestic Product (GDP)

اشاره به بالا بودن آن تنها از این رو بوده است که با توجه به آثار منفی اقتصاد زیرزمینی، بر اهمیت بررسی این موضوع در ایران و لزوم ارائه راهکارهای مفید و کاربردی برای حل پایدار این مشکل تأکید شود.

### ۳ عوامل مؤثر بر ایجاد و رشد اقتصاد زیرزمینی و معرفی شاخص‌های فضای کسب و کار

علاوه بر عوامل فرهنگی (مانند عدم تقبیح فرار از قوانین و مقررات و فعالیت اقتصادی در بخش غیررسمی) و همچنین وجود ضعف‌هایی در سازوکار محدودکننده فعالیت در بخش غیررسمی (مانند ضعف نهادهای نظارتی؛ کنترلی و انتظامی؛ پیش‌بینی نشدن جرائم متناسب با تخلفات به صورت بازدارنده؛ و ضعف نیروهای قضایی در محکومیت افراد متخلف فعال در بخش غیررسمی) یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انتقال فعالیت‌های اقتصادی به بخش غیررسمی و تداوم فعالیت آنها را می‌توان وجود مقررات و قوانین تنظیمی و پیچیده محدودکننده فضای کسب و کار دانست. بوروکراسی موجود در قوانین و مقررات بازدارنده و محدودکننده فعالیت در بخش رسمی، مالیات‌های سنگین بالاتر از نرخ سود بنگاه‌ها، هزینه‌های تولید تحمیل شده به بخش رسمی، وجود موانع فنی و استانداردهای فراوان کیفی، وجود مقررات اشتغال انعطاف‌ناپذیر و مخالف کارفرما و نظایر اینها شرایطی را به وجود می‌آورد که فعالان اقتصادی ترجیح می‌دهند از فعالیت در بخش رسمی خارج شوند و به اقتصاد زیرزمینی منتقل گردند. مجموعه عوامل یاد شده، شاخص‌های فضای کسب و کار را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل در این بخش به طور خلاصه به شاخص‌های اصلی فضای کسب و کار اشاره می‌شود، تا در بخش بعدی تأثیر اصلاح هر کدام از این شاخص‌ها در کاهش اقتصاد پنهان مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۳-۱ شاخص‌های فضای کسب و کار

فضای کسب و کار تنها به شاخص‌های محدود بخش اشتغال خلاصه نمی‌شود و حوزه‌های

مختلف و متعدد مؤثر بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی را از شروع کسب و کار تا پایان فعالیت آنها در نظر می‌گیرد. شاخص‌های فضای کسب و کار براساس مطالعات بین‌المللی (World Bank, 2007, p. 6) در ۱۰ حوزه بدین شرح طبقه‌بندی می‌شود:<sup>۱</sup>

۱. شروع کسب و کار،
۲. شرایط دریافت مجوز،
۳. استخدام و اخراج نیروی کار (اشتغال)،
۴. ثبت رسمی دارایی‌ها،
۵. دریافت تسهیلات مالی،
۶. حمایت از سرمایه‌گذاران،
۷. پرداخت مالیات،
۸. تجارت خارجی،
۹. ضمانت اجرای قراردادها، و
۱۰. ورشکستگی.

آسان‌سازی شرایط شروع کسب و کار<sup>۲</sup> از نخستین گام‌های است که می‌توان در مسیر بهبود فضای کسب و کار برداشت. اصلاح این شاخص به دلیل ساده بودن و لمس آثار آن در کوتاه‌مدت بسیار مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفته است. اصلاح و بهبود این شاخص فواید بسیاری دارد. انجام این اصلاحات می‌تواند به افزایش تعداد بنگاه‌های تأسیس شده، افزایش سطح سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی، ایجاد مشاغل جدید، انتقال بنگاه‌ها از بخش غیررسمی به بخش رسمی، افزایش سطح مالیات دریافتی از

۱. توجه به این نکته ضروری است که در اکثر مطالعات بین‌المللی زمانی که کشورها براساس شاخص‌های جهانی رتبه‌بندی می‌شوند، اختلاف یک یا چند رتبه لزوماً به معنای بدتر بودن شرایط در کشوری با رتبه پایین‌تر نیست. رتبه‌بندی کشورها به مانند رتبه‌بندی در مسابقات ورزشی (همچون یک مسابقه اسب‌دوانی) نیست، زیرا این شاخص‌ها تمام عوامل و پدیده‌های مؤثر بر کمیت یک شاخص را پوشش نمی‌دهند و معمولاً براساس قواعد مشخصی محاسبه می‌شوند.

شرکت‌ها و استفاده کارگران از بیمه‌های درمان و مزایای بازنشستگی بیانجامد. بی‌توجهی به اصلاح شاخص شرایط گرفتن مجوز<sup>۱</sup> و عدم ایجاد تعادل میان حمایت از منافع کلان جامعه به وسیله اعمال سیاست‌های کنترلی مانند اعطای مجوزهای گوناگون با هزینه‌های ناشی از گرفتن مجوزها که گاهی اوقات به غیراقتصادی شدن فعالیت‌ها می‌انجامد، از مباحثی است که اختلال در آن همواره به‌عنوان یکی از علل انتقال فعالیت‌ها از بخش رسمی اقتصاد به بخش غیررسمی به‌شمار می‌آید. بنابراین توازن و تعادل میان ایمنی ناشی از اعطای مجوزها با هزینه ناشی از گرفتن آنها، از جمله عوامل پیش روی آسان‌سازی فضای کسب و کار محسوب می‌شود. استفاده از اصلاحات پیش‌گفته به‌صورت گام‌به‌گام می‌تواند نتایج مثبتی را به دنبال داشته باشد، که از آن دست‌اند: گسترش فعالیت‌های اقتصادی با ساده‌سازی و کاهش هزینه‌های اداری، کاهش قیمت تمام‌شده زیرساخت‌های مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی، گسترش اقتصاد رسمی، گسترش سطح ایمنی جامعه و صرفه‌جویی در هزینه دولت برای اعطای مجوزها، و بازرسی‌های محدودتر. تشدید هزینه‌های اداری موجب می‌شود که کارآفرینان و فعالان اقتصادی که با بار مالی مقررات تنظیمی مواجه می‌شوند، به فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد سوق پیدا کنند تا با محدودیت‌های کمتری در خصوص رعایت مسائل ایمنی به فعالیت پردازند.

یکی از شاخص‌هایی که به‌صورت ملموس بر فضای کسب و کار تأثیر می‌گذارد، شاخص استخدام و اخراج نیروی کار<sup>۲</sup> (اشتغال نیروی کار)<sup>۳</sup> است. وجود بازار کار انعطاف‌ناپذیر یکی از موانع پیش روی ایجاد فرصت‌های شغلی به‌شمار می‌آید و موجب انتقال نیروی کار از بخش رسمی به بخش غیررسمی اقتصاد می‌شود. قانون کار انعطاف‌ناپذیر در ابتدا با هدف حمایت از نیروی کار در برابر دستورات ناعادلانه و تبعیض آمیز کارفرمایان وضع گردید و بر مواردی مانند حداقل دستمزد اجباری، هزینه

1. Dealing With License
2. Hiring and Firing Workers
3. Employing Workers



بازخرید و اخراج و مانند اینها تأکید داشت، تا به رفع تبعیض‌های جنسیتی و نژادی و سنی پردازد و نیروی کار از مواهبی مانند بیمه تأمین اجتماعی، مستمری بازنشستگی، بیمه درمان، بیمه بیکاری و نظایر اینها بهره‌مند گردند. ولی وجود تضاد میان میزان فقر در جامعه و قدرت تأمین اجتماعی موجب شده است تا کشورهای فقیر با توجه به نیاز بیشتر به سیستم‌های حمایتی برای تأمین توان مالی نظام تأمین اجتماعی، به تشدید مقررات بازار کار پردازند. استمرار این وضعیت به گسترش اشتغال در اقتصاد غیررسمی می‌انجامد و موجب بهره‌مند نشدن بخش وسیعی از جامعه از بیمه درمان، مرخصی‌های استعلاجی، مستمری بازنشستگی و حمایت قضایی در مواقع سوءاستفاده کارفرما می‌شود.

انجام اصلاحات در شاخص ثبت دارایی‌ها<sup>۱</sup> گام نخست برای گسترش فرهنگ ورود به اقتصاد رسمی و در نتیجه گسترش فعالیت‌های اقتصادی است. هرچند برخی از بنگاه‌ها سخت‌گیری در مراحل ثبت را موجب دقت نظر در حقوق مالکیت می‌دانند ولی گسترش فرهنگ ثبت دارایی‌ها به صورت عمومی با توجه به اقدامات یادشده می‌تواند موجب گسترش حقوق مالکیت شود و با گسترش اقتصاد رسمی، مسیر بنگاه‌ها را برای کسب اعتبارات مالی و تسهیلاتی باز کند و آنها را به سمت گسترش فعالیت‌ها سوق دهد.

اصلاح شاخص دریافت تسهیلات بانکی<sup>۲</sup> و دسترسی آسان به اعتبارات از جمله عواملی است که اثر مستقیم در توسعه و گسترش فعالیت بنگاه‌های اقتصادی دارد. اصلاح نظام بانکی با هدف افزایش وام‌های توزیع شده و کاهش تعداد درخواست‌های بدون پاسخ، از سیاست‌هایی است که به توسعه سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها در بخش خصوصی می‌انجامد. اصلاح شاخص مربوط به دریافت تسهیلات بانکی منجر به کاهش وام‌های پرداخت نشده و کاهش ریسک نظام بانکی می‌شود و در نتیجه میزان سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

اصلاح شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران<sup>۳</sup> و سهامداران یک شرکت در برابر

1. Registering Property

2. Getting Credit

3. Protecting Investors

سوء استفاده مدیران و جلوگیری از استفاده مدیران از دارایی‌های شرکت برای انتفاع شخصی، از مهم‌ترین سیاست‌هایی است که در حکمرانی شرکت مورد نظر قرار گرفته است. سهامداران جزء معمولاً از اطلاعات ریز معاملات مدیران شرکت آگاهی کافی ندارند و این‌گونه معاملات گاه می‌تواند با بنگاه‌های دیگری انجام شود که خود آنها در سود و زیان آن بنگاه‌ها ذی‌نفع‌اند. بهبود شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران دربردارنده منافع متنوعی است. افزایش حجم سرمایه‌گذاری و کاهش تمرکز مالکیت موجب می‌شود تا بازارهای سرمایه توسعه پیدا کنند و بانک‌ها به منابع تأمین مالی مناسبی دست یابند. در این شرایط نقدینگی لازم برای فعالیت کارآفرینان فراهم می‌آید و در نتیجه بر میزان رشد اقتصادی افزوده می‌گردد. انعکاس این مطلب در گسترده‌گی بازار سهام مشاهده می‌شود.

اصلاح شاخص پرداخت مالیات<sup>۱</sup> و بازنگری در نظام دریافت و گرفتن مالیات با توجه به نیاز و ضرورت وجود زیرساخت‌های عمومی در کشور امری حیاتی است. با این حال درخصوص سطح بهینه و شیوه مناسب دریافت مالیات‌ها توجه به سیاست‌هایی ضروری است. وجود مالیات‌های متنوع و گسترده (در سطحی بالاتر از سود ناخالص بنگاه‌های اقتصادی) شرایطی بحرانی را در اقتصاد به وجود می‌آورد که در این شرایط بنگاه‌ها یا فعالیت تولیدی و اقتصادی‌شان را متوقف می‌کنند و یا ناگزیر به فرار مالیاتی روی می‌آورند. از این‌رو مدیریت مالیاتی ناکارآمد از اصلی‌ترین موانع پیش روی فضای کسب و کار به‌شمار می‌آید. اصلاح نظام مالیاتی نه تنها منافی برای فعالان بخش خصوصی دارد، بلکه منابع موجود دولت از این طریق را نیز توسعه می‌دهد. کاهش بار مالیاتی بنگاه‌ها، آنان را به افزایش سرمایه‌گذاری تشویق می‌کند و این سرمایه‌گذاری‌ها بازدهی سرمایه را نیز افزایش می‌دهند و این سیاست‌های انگیزشی موجب تشویق بنگاه‌ها به فعالیت و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر می‌شود و افزایش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

اصلاح شاخص تجارت خارجی<sup>۲</sup> از جمله اقداماتی است که با توجه به اهمیت

1. Paying Taxes

2. Trading Across Borders

تجارت به عنوان یکی از ابزارهای مهم تنظیم بازار، دارای جایگاه برجسته‌ای است. موانع متعدد تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای اصلی‌ترین عامل بازدارنده فضای کسب و کار برای برقراری ارتباط با خارج از قلمرو گمرکی و استفاده از عرضه و تقاضای بازارهای خارجی به‌شمار می‌آید. به‌رغم اینکه منافع حاصل از تجارت به خوبی ملموس‌اند و موانع پیش روی آن مانند موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، سهمیه‌ها و فاصله از بازارهای بزرگ جهانی و جز اینها نیز کاملاً مشخص‌اند، با این حال فعالان اقتصادی در بسیاری از کشورها با موانع بی‌شماری مواجه هستند. در کشورهای در حال توسعه به توجّه به تشریفات گمرکی پیچیده و حمل و نقل گران، هزینه‌ای به تجارت بنگاه‌ها تحمیل می‌شود که از هزینه تعرفه صادراتی کشورهای توسعه‌یافته نیز بیشتر است. هرچند استفاده از موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها و عضویت در اتحادیه‌ها و سازمان‌های جهانی می‌تواند بسیاری از مشکلات تعرفه‌ای کشورهای در حال توسعه را برطرف سازد، ولی این اقدامات مراحل اداری گمرکی و زیرساخت‌های تجاری را بهبود نمی‌بخشند. از این رو لازم است به‌منظور کاهش زمان صرف شده و مراحل اداری و در نتیجه تسهیل تجارت، به این بخش توجه خاصی صورت گیرد.

شاخص تضمین قراردادهای<sup>۱</sup> یکی دیگر از مجموعه شاخص‌های کسب و کار است که با توجه به تأخیر در برگزاری دادگاه‌ها، عدم اجرای حکم پس از اعلام رأی، طولانی بودن مراحل دادرسی و تجدیدنظر و عدم صلاحیت مقامات و ضابطان قضایی با محدودیت‌هایی مواجه است و به‌مثابه مشکلی اساسی پیش روی فعالیت کسب و کار بنگاه‌های اقتصادی به‌شمار می‌آید. آسان‌سازی بررسی اختلافات قراردادهای کسب و کار رابطه مستقیمی با کسب تسهیلات و اعتبارات بیشتر از مؤسسات اعتباری و ورود بنگاه‌های جدید به فضای کسب و کار و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید به‌وسیله بنگاه‌های موجود دارد. انجام این اصلاحات نیاز کشور به دادگاه‌ها و قضات و کادر اداری را کاهش می‌دهد و از هزینه دولت و نیاز به بودجه دولتی نیز می‌کاهد. پیچیدگی فرایند اجرای قراردادهای و بررسی

اختلافات موجب می‌شود فرایند و روش کار برای بنگاه‌های ساده اقتصادی مشکل گردد و این بنگاه‌ها به سمت گزینه‌ها و روش‌های غیررسمی سوق پیدا کنند. این امر سلامت و اعتبار نظام قضایی کشور را با ابهام روبه‌رو خواهد ساخت.

اصلاح شاخص تعطیلی کسب و کار<sup>۱</sup> (ورشکستگی) آخرین شاخص فضای کسب و کار است. قوانین و رویه‌های پیچیده درخصوص ورشکستگی، از موانع عمده در فضای کسب و کار به‌شمار می‌آیند، که گاه پرداخت مطالبات را تا سال‌ها به تعویق می‌اندازند. رفع مشکلات ناشی از فرایند ورشکستگی، سطح مطالبات وصولی را افزایش می‌دهد؛ ولی تشدید مشکلات موجب می‌شود که انگیزش برای افزایش سرمایه‌گذاری کاهش یابد و افزایش سطح وام‌های ادا نشده نیز خود بر میزان ریسک مالی می‌افزاید. ایجاد تسهیلات آسان‌تر برای خروج از فضای کسب و کار به معنای ایجاد انگیزه برای ورود به فضای کسب و کار تلقی می‌شود. آزادی بنگاه‌های اقتصادی در این زمینه که بتوانند در ضمن فعالیت‌های‌شان با شکست مواجه شوند، و تشویق آنان به شروعی تازه، می‌تواند سطح بهینه‌ای از اشتغال و سرمایه‌گذاری را ایجاد کند و در نتیجه کسب و کار اثربخشی را رقم بزند.

#### ۴ بررسی چگونگی تأثیر اصلاح شاخص‌های فضای کسب و کار بر گسترش

##### اقتصاد رسمی

آسان‌سازی فضای کسب و کار از جمله الزامات و پیش‌زمینه‌های رشد اقتصادی است. در هر کشوری که مقررات کسب و کار بنگاه‌ها پرهزینه و دردسرساز است، بنگاه‌ها تمایل بیشتری به فعالیت در بخش غیررسمی دارند. با توجه به اینکه امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌های بنگاه‌ها در بخش غیررسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه‌ها معمولاً کوچک باقی می‌ماند و آنها به شرایط تولید انبوه و بازدهی نسبت به مقیاس نخواهند رسید و در نتیجه رشد اقتصادی اندکی را به‌وجود می‌آورند و مشاغل کمتری تولید می‌کنند.

انجام اصلاحات در فضای کسب و کار - و در نتیجه، رفع موانع موجود - می تواند ریسک ورود و فعالیت در فضای رسمی کسب و کار را کاهش دهد. انجام اقدامات تشویقی از طرف دولت و اعمال سیاست های اصلاحی به منظور تسهیل مقررات کسب و کار موجب ایجاد فضای رشد و گسترش فعالیت بنگاه ها از اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی، افزایش تعداد مشاغل رسمی در اقتصاد و گسترش چتر حمایت از فعالان اقتصادی در زمینه هایی چون مستمری بازنشستگی و بیمه درمان و مقررات ایمنی کار می شود.

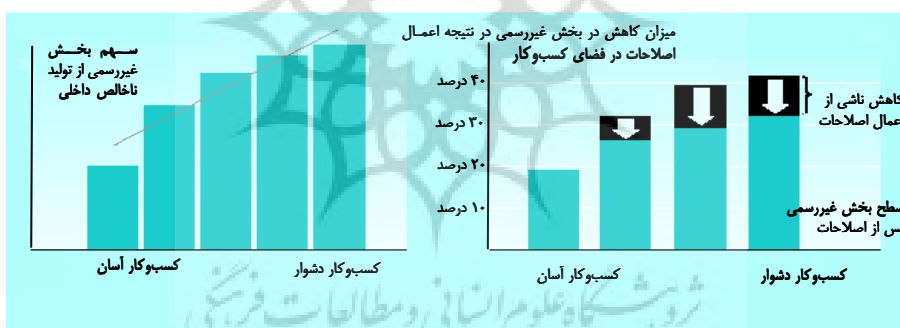
انجام اصلاحات و بهبود شرایط کسب و کار می تواند روند رشد اقتصادی کشور را تغییر دهد. ارتقا و بهبود شاخص انجام کسب و کار از سهم بخش غیررسمی در تولید ناخالص داخلی می کاهد و با گسترش دامنه مقررات، بنگاه ها و کارکنان را به اقتصاد رسمی وارد می کند.

کارگران مشغول در بخش غیررسمی از مزایای بیمه های بازنشستگی و اجتماعی و درمانی بهره مند نیستند و به دلیل عدم نظارت بر شرایط کار، شرایط استثمار کارگر به دست کارفرما به راحتی فراهم می شود. بعد از گذشت سال ها فعالیت در این بخش، حتی کارگران مزایای اولیه ای چون حقوق و بیمه بازنشستگی نیز ندارند. کارگران و کارفرماها در این کارگاه ها قادر به شکایت از یکدیگر نیستند، زیرا اصلاً قراردادی رسمی میان آنها منعقد نشده است تا بتوان براساس آن رأی صادر کرد. با گسترش اقتصاد غیررسمی، زنان و جوانان بیشترین آسیب را می بینند، چون که بخش اعظمی از نیروی کار شاغل در بخش غیررسمی را هم آنان تشکیل می دهند. با گسترش این شرایط امکان بروز فساد نیز بیشتر می شود، زیرا بازرسان و ناظران بخش رسمی فرصت مناسبی برای گرفتن رشوه از بنگاه های غیررسمی به دست می آورند.

بنابراین توسعه فعالیت بنگاه ها در بخش رسمی از جوانب مختلف به نفع بنگاه و به نفع کارگران فعال در آن بخش است. بنگاه های غیررسمی فعالیت خود را از چشم بازرسان دولتی مخفی نگاه می دارند، زیرا فعالیتشان غیرقانونی تلقی می شود؛ ولی بنگاه های رسمی تا سطحی که کارایی خود را حفظ کنند وسعت می یابند و در سطوح بالاتری تولید می کنند. به طور متوسط سطح تولید بنگاه های رسمی ۴۰ درصد از بنگاه های غیررسمی بیشتر است

(World Bank, 2006, p. 14).

با توجه به این الگو می‌توان عنوان کرد که با آسان‌سازی انجام کسب و کار، مشاغل بیشتری ایجاد می‌شود و نرخ رشد اقتصادی نیز افزایش می‌یابد. کشورهایی که بهترین شرایط را در آسان‌سازی انجام کسب و کار دارند، با بیکاری بسیار محدودی مواجه هستند. کشورهایی که به اصلاح فضای کسب و کار و بهبود شرایط تجاری، اعتباری، قضایی، قراردادهای و مانند اینها پرداخته‌اند نیز به رشد اقتصادی بالاتری در قیاس با قبل دست می‌یابند. انتقال از اقتصاد غیررسمی به رسمی، و دستیابی به نقطه تعادل میان آسان‌سازی انجام کسب و کار و ارائه حمایت‌های اجتماعی از طرف دولت می‌تواند متضمن رشد اقتصادی و کارایی توأم با عدالت باشد. این امر مهم زمانی فراهم می‌شود که بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی به این باور رسیده باشند که با فعالیت در بخش رسمی اقتصاد از فواید رسمی بودن مانند دسترسی به تسهیلات و خدمات عمومی بهتر و نظایر اینها بهره‌مند می‌شوند.



Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, p. 6.

**نمودار ۱** رابطه مستقیم انجام اصلاحات و تسهیل در فضای کسب و کار با کاهش بخش غیررسمی و اقتصاد پنهان

نمودار ۱ که حاصل مطالعات متعدد انجام شده در بانک جهانی است، نشان می‌دهد هر قدر کشورها فضای کسب و کار آسان‌تری داشته باشند، سهم بخش غیررسمی در اقتصاد

آنها کمتر است؛ و کشورهایی که فضای کسب و کار آنها شرایط دشواری دارد، با سهم بالایی از بخش غیررسمی در تولید ناخالص داخلی مواجه‌اند. این نمودار نشان می‌دهد که میان آسانی و تسهیل فضای کسب و کار با حجم اقتصاد پنهان، ارتباطی مستقیم وجود دارد. همچنین نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که در کشورهایی با شرایط مناسب فضای کسب و کار، انجام اصلاحات تأثیر چندانی در کاهش بخش غیررسمی نخواهد گذاشت، زیرا این کشورها به طور کلی بخش غیررسمی کوچکی (کمتر از ۲۰ درصد) دارند؛ ولی در کشورهایی که حجم بخش غیررسمی بالاست و در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد را شامل می‌شود، انجام این اصلاحات نتایج عمده‌ای داشته و توانسته است در حدود ۱۰ درصد از سهم بخش غیررسمی را کاهش دهد.

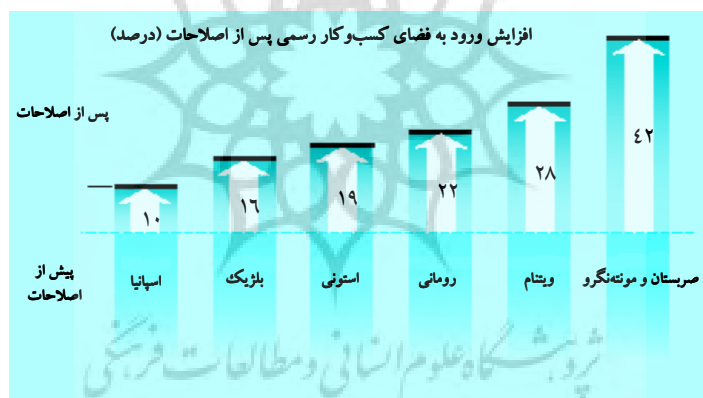
با توجه به این الگو می‌توان عنوان کرد که آسان‌سازی انجام کسب و کار، مشاغل بیشتری ایجاد می‌کند و موجب افزایش نرخ رشد اقتصادی می‌شود. برای مثال، کشور زلاندنو که بهترین شرایط را در آسان‌سازی انجام کسب و کار دارد، تنها با ۴/۷ درصد بیکاری مواجه شد و کشور رواندا به عنوان الگوی موفق کشورهای افریقایی با اعمال اصلاحات در فضای کسب و کار و بهبود شرایط تجاری، اعتباری، قضایی، قراردادها و نظایر اینها، به رشد اقتصادی ۳/۶ درصدی دست یافت که بالاترین رشد اقتصادی در قاره افریقا محسوب می‌شود (Ibid., 2006, pp. 4-5).

در ادامه به بررسی چگونگی تأثیر و رابطه اصلاح هر کدام از شاخص‌های فضای کسب و کار بر کاهش حجم اقتصاد پنهان و زیرزمینی و توسعه بخش رسمی اقتصاد پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱ رابطه اصلاح شاخص شروع کسب و کار و کاهش اقتصاد پنهان

اصلاح این شاخص از جمله اقداماتی است که به طور مستقیم بر توسعه بخش رسمی اقتصاد تأثیر می‌گذارد. با آسان‌سازی ورود به فعالیت‌های اقتصادی، بنگاه‌های بیشتری هم ایجاد می‌شوند، زیرا سرمایه‌گذاران با برآورد تعداد مراحل اداری، زمان، هزینه و حداقل سرمایه مورد

نیاز برای شروع فعالیت بنگاه به تصمیم‌گیری برای شروع کردن یا نکردن دست می‌زنند. انجام اصلاحات در شاخص شروع کسب‌وکار در کشور صربستان و مونته‌نگرو موجب شد که تعداد ثبت بنگاه‌های اقتصادی ۴۲ درصد افزایش یابد. نمودار ۲ بیانگر همین موضوع است. آسان‌سازی ورود به فعالیت‌های اقتصادی به‌طور مستقیم بر رشد سرمایه‌گذاری رسمی در اقتصاد تأثیر می‌گذارد و توسعه بنگاه‌ها به گسترش فرصت‌های شغلی در بخش رسمی می‌انجامد. اگر فرایند آغاز فعالیت‌های اقتصادی پیچیده و پردردسر و پرهزینه باشد، فعالان اقتصادی تصمیم می‌گیرند از ورود به آن پرهیزند، و آنگاه به‌سمت اقتصاد غیررسمی هدایت می‌شوند. هرچند در فضای اقتصاد غیررسمی، بنگاه‌ها مالیات نمی‌پردازند و از رعایت مقررات تنظیمی دولت نیز خلاصی می‌یابند، ولی خود آنها و کارگران مشغول در آنها، از بسیاری از مواهب ناشی از فعالیت در بخش رسمی محروم می‌شوند.



Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, p. 13.

نمودار ۲ تجربه انجام اصلاحات در شاخص شروع کسب‌وکار و ورود بنگاه‌های اقتصادی

بیشتر به بخش رسمی

تسهیل شرایط ورود بنگاه‌ها به بخش رسمی موجب می‌گردد تعداد بنگاه‌هایی که مالیات می‌پردازند افزایش یابد و در نتیجه درآمد بیشتری هم نصیب دولت شود. در این



شرایط می‌توان نرخ مالیات شرکت‌ها را کاهش داد و بنگاه‌های اقتصادی را بیشتر از پیش به ورود به بخش رسمی مشتاق ساخت. اصلاحات شاخص ورود به کسب و کار مقدمه بسیاری از اصلاحات دیگر و ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای فعالیت در بخش رسمی اقتصاد است.

#### ۲-۴ رابطه اصلاح شاخص کسب مجوز و کاهش اقتصاد پنهان

اصلاح این شاخص از دیگر اقداماتی است که بر گسترش بخش رسمی اقتصاد تأثیرگذار است. با آسان‌سازی شرایط و مقررات کسب مجوز، بنگاه‌های بیشتری می‌توانند مجوزهای مربوط را کسب کنند، زیرا کارآفرینان با برآورد تعداد مراحل اداری و همچنین زمان و هزینه مورد نیاز برای کسب مجوز، به تصمیم‌گیری برای آن و ورود به بخش رسمی و یا ننگرفتن مجوز و شروع فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد می‌پردازند. بنابراین اصلاح این شاخص موجب گسترش فعالیت فعالان اقتصادی در بخش رسمی اقتصاد می‌شود و کسب مجوزها کیفیت و رعایت استانداردها را نیز فزونی خواهد داد. برای مثال، انجام اصلاحات در مجوزهای ساختمانی در انگلستان و استرالیا موجب شده است که بخش رسمی این فعالیت در این کشورها به ترتیب ۶/۲ و ۷/۴ درصد کل درآمد ملی باشد، درحالی‌که سهم همین بخش به صورت رسمی در کشورهایی چون نیجریه و توگو در این شاخص کمتر از ۱ درصد است (Ibid., p. 19). دلیل این امر آن است که بقیه فعالان اقتصادی به دلیل مشکلات موجود در شرایط کسب مجوز ترجیح می‌دهند که به فعالیت در بخش غیررسمی بپردازند. درضمن، همیشه سخت‌گیری در مراحل کسب مجوز به گسترش استانداردها منجر نمی‌شود، زیرا فعالان اقتصادی که با پیچیدگی‌ها و مشکلات مالی کسب مجوز مواجه می‌شوند ترجیح می‌دهند فعالیتشان را به اقتصادی غیررسمی معطوف کنند تا بتوانند بدون نگرانی درخصوص کسب مجوز و رعایت استانداردها به فعالیت بپردازند. بنابراین سخت‌گیری بیش از حد نظام مجوزدهی نه تنها موجب بهتر شدن سطح کیفیت کالاها و خدمات نمی‌شود، بلکه با خروج بنگاه از بخش رسمی می‌تواند موجب بدتر شدن سطح ایمنی و کیفیت گردد.

### ۳-۴ رابطه اصلاح شاخص اشتغال نیروی کار و کاهش اقتصاد پنهان

اصلاح این شاخص از جمله اقداماتی است که به طور مستقیم بر توسعه بخش رسمی اقتصاد تأثیر می‌گذارد. اصلاح شاخص‌های اصلی این بخش مانند هزینه استخدام، هزینه اخراج، سختی استخدام، سختی اخراج، عدم انعطاف اشتغال و عدم انعطاف ساعت کاری موجب می‌شود که امکان استفاده از نیروی کار به صورت رسمی فراهم شود و از خروج نیروی کار از بخش رسمی و ورود آن به اقتصاد زیرزمینی جلوگیری به عمل آید.

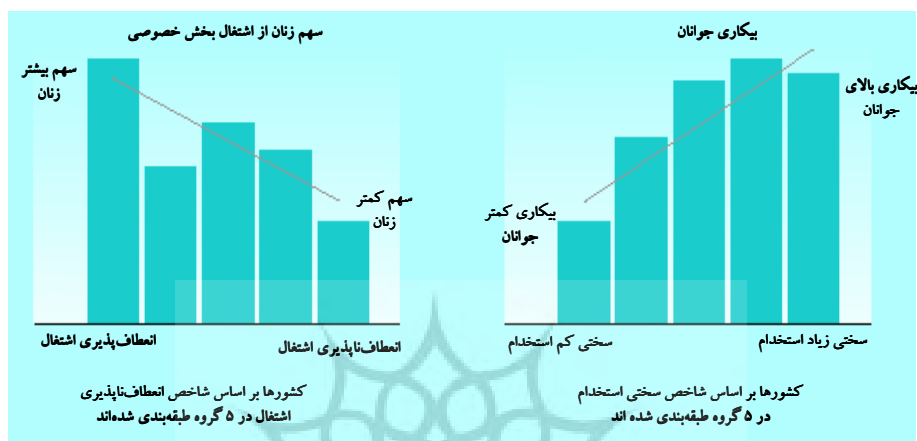
در تمامی مقررات و اصول بازار کار تلاش بر آن است که توازن و تعادل مناسبی میان بازار کار منقطع و ثبات شغلی حاصل گردد. در بسیاری از موارد سیاست‌هایی که با هدف حمایت از نیروی کار و ثبات شغلی به وسیله دولت‌ها در پیش گرفته می‌شوند، در انتها به زیان بنگاه‌های اقتصادی و نیروی کار آنها منجر می‌گردند. اتخاذ سیاست‌هایی با هدف انعطاف‌پذیری اشتغال موجب افزایش بهره‌وری می‌شود و شرطی مهم در حفظ کارایی و اثربخشی فعالیت بنگاه به شمار می‌آید؛ ولی برعکس، اگر مقررات اشتغال در کشورها انعطاف‌ناپذیر باشد، بنگاه‌ها ابزاری مهم و اساسی را که از طریق آن می‌توانند به مزایای رقابتی برسند از دست می‌دهند. در این شرایط بنگاه‌ها از کارگران غیررسمی استفاده می‌کنند و به جای حقوق و مزایای رسمی به آنها دستمزد غیررسمی می‌دهند، و این کارگران از مزایایی همچون بیمه‌های تأمین اجتماعی، بازنشستگی و بیمه درمان نیز بهره نمی‌برند. معمولاً این موضوع به فرزندان خانواده آنها نیز تسری پیدا می‌کند، زیرا والدینی که در بخش‌های غیررسمی اشتغال دارند، فرزندان‌شان را نیز در همان بخش مشغول می‌سازند و این پدیده به نسل‌های بعدی تسری می‌یابد. راه‌حل این معضل اصلاح شاخص‌های اشتغال در فضای کسب و کار و کمک به توسعه اشتغال در بخش رسمی است. وقتی قوانین کار دارای انعطاف کافی باشند و موانع پیش روی استخدام و اخراج نیروی کار نیز کم باشد، بنگاه‌ها می‌توانند عوامل تولیدشان را با فناوری جدید و شوک‌های برون‌زا تنظیم کنند. این امر موجب افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی

می شود و آنها می توانند نیروی کار بیشتری جذب کنند. جامعه‌ای می تواند از رونق اقتصادی ناشی از آزادسازی تجاری استفاده کند که قوانین کاری منعطفی داشته باشد، زیرا با آزادسازی تجاری، سرمایه‌ها از بخش‌هایی که دارای مزیت نیستند به بخش‌های مولد و پویا منتقل می شود که ماحصل این انتقال افزایش بهره‌وری و رونق اقتصادی است. این انتقال تنها در صورتی رخ می دهد که قوانین کار منعطف باشند تا نیروی کار بتواند میان بخش‌های مختلف جابه‌جا شود.

قوانین سخت گیرانه کار تنها به نفع افرادی است که شاغل اند، زیرا افراد شاغل از امنیت شغلی مبتنی بر قوانین کار استفاده می برند. اما این قوانین موجب می شود افرادی که بیکار هستند امکان و فرصت کمتری برای یافتن شغل به دست آورند؛ زیرا زمانی که قوانین کار به منزله افزایش هزینه‌ای فراوان برای بنگاه تلقی شوند، خودبه‌خود فرصت‌های شغلی از دست می روند. بنابراین در جوامعی مانند کشور ما که هرم سنی به شکلی است که نیروی جوان و یا زنان فراوان دارد و به علاوه دارای جمعیت بیکار بالایی نیز هست، ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر، بسیار با اهمیت تر از حفظ امنیت شغلی برای مشاغل موجود است.

طبق نمودار ۳ در کشورهای شاخص سختی استخدام بالاست، سهم عمده‌ای از بیکاران را جوانان تشکیل می دهند؛ ولی در کشورهایی که مقررات تنظیمی و تحمیلی و همچنین سختی استخدام بسیار اندک است، آنگاه مسلماً تنها سهم مختصری از بیکاران را جوانان تشکیل می دهند. همچنین در کشورهایی که قوانین اشتغال انعطاف ناپذیری دارند، زنان سهم چندانی در اشتغال بخش خصوصی نخواهند داشت و انجام اصلاحات در این حوزه و انعطاف پذیری اشتغال موجب افزایش سهم زنان در اشتغال خواهد شد. به طور کلی نمودار ۳ مؤید این ادعاست که قوانین انعطاف ناپذیر اشتغال که از ثبات شغلی بالا به نفع نیروی کار حمایت می کنند، تنها حافظ منافع نیروی کار شاغل هستند و فرصت‌های شغلی پیش روی نیروهای بیکار را محدود می سازند. بنابراین سختی استخدام و مقررات انعطاف ناپذیر موجب کاهش سهم زنان و جوانان در کل اشتغال می شود، زیرا آنها کاری پیدا نمی کنند تا بتوانند با

استفاده از این قوانین ثبات شغلی بیابند و کارفرمایان نیز ترجیح می‌دهند برای فرار از این مقررات تنظیمی دست‌وپاگیر به فعالیت در بخش غیررسمی بپردازند.



Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, p. 21.

### نمودار ۳ تأثیر قوانین انعطاف‌ناپذیر اشتغال بر زنان و جوانان بیکار

بنابراین اصلاح فضای کسب‌وکار در شاخص اشتغال نیروی کار، راهکاری مناسب برای گسترش اشتغال در بخش رسمی و پرهیز از آسیب‌های گسترش اشتغال در اقتصاد زیرزمینی (پنهان) است.

### ۴-۴ رابطه اصلاح شاخص ثبات دارایی‌ها و کاهش اقتصاد پنهان

اصلاح این شاخص از دیگر اقداماتی است که بر توسعه بخش رسمی اقتصاد تأثیر می‌گذارد. اصلاح شاخص‌های اصلی این بخش مانند تعداد مراحل اداری، زمان و هزینه مورد نیاز برای ثبت رسمی دارایی‌ها موجب می‌شود تا بنگاه‌های اقتصادی بتوانند در شرایط بهتری دارایی‌هایشان را به‌طور رسمی ثبت کنند. وجود شرایط نامناسب در این شاخص موجب

می شود که بنگاه‌ها دارایی‌های‌شان را به ثبت رسمی نرسانند و در فضای اقتصاد پنهان و در بخش غیررسمی به فعالیت پردازند. در کشورهایی که ثبت دارایی‌ها در فضایی کارا صورت می‌پذیرد، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود و به درستی هم رعایت می‌گردد. هرچند وضع مقررات درخصوص ثبت دارایی‌ها موجب می‌شود مالکیت اموال به شکل صحیحی شفاف گردد، ولی پیچیدگی و مقررات دست‌وپاگیر در این بخش موجب افزایش هزینه ثبت و ایجاد فضای عدم اطمینان می‌شود و این خود شرایط را برای تقلب و فساد فراهم می‌سازد. بنگاهی اقتصادی که اموال و دارایی‌های خود را ثبت می‌کند، دسترسی آسان‌تری به منابع و تسهیلات بانکی دارد و می‌تواند فعالیت خود را در بخش رسمی گسترش دهد. فعالیت بخش خصوصی در فضای رسمی اقتصاد با ثبت دارایی‌ها گسترش می‌یابد و سرمایه‌گذاری بیشتری به وسیله بخش خصوصی انجام می‌شود. در این حالت بخش رسمی اقتصاد گسترش می‌یابد و با محدود شدن اقتصاد زیرزمینی احتمال فساد کم می‌شود. تجربه تایلند در ثبت رسمی دارایی‌ها نمونه‌ای از آثار مثبت اصلاحات در این زمینه است. ثبت رسمی بیش از ۸/۵ میلیون سند ملک در این کشور موجب شد که حجم سرمایه‌گذاری به ۲ برابر افزایش یابد و دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به اعتبارات و تسهیلات بانکی ۳ برابر شود (Ibid., p. 31). افرادی که اموال خود را به‌طور رسمی ثبت می‌کنند، با اتکای به آن می‌توانند مشاغلی رسمی نیز پیدا کنند و به توسعه فعالیت‌های اقتصادی در بخش رسمی یاری برسانند. به‌طور کلی ثبت رسمی املاک و دارایی‌ها موجب افزایش ارزش آن می‌شود و بنگاه‌های اقتصادی را به سمت اقتصاد رسمی هدایت می‌کند. این بنگاه‌ها می‌توانند راحت‌تر از قبل به کسب تسهیلات بانکی پردازند و حجم سرمایه‌گذاری‌شان را افزایش دهند و با توجه به توسعه هرچه بیشتر اقتصاد رسمی موجب رشد اقتصاد شوند.

#### ۴-۵ رابطه اصلاح شاخص دریافت تسهیلات بانکی و کاهش اقتصاد پنهان

اصلاح این شاخص یکی دیگر از اقدامات مؤثر بر توسعه بخش رسمی اقتصاد است.

اصلاح شاخص‌های اصلی این بخش مانند توانمندی قانون، پوشش اطلاعات اعتباری و اعتبارسنجی در بخش خصوصی موجب می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی بتوانند در شرایطی مناسب از تسهیلات بانکی استفاده کنند. این مزیت تنها نصیب بنگاه‌هایی می‌شود که در بخش رسمی به فعالیت می‌پردازند. آنها می‌توانند با دریافت این اعتبارات فعالیتشان را گسترش دهند و در مقایسه با بنگاه‌های بخش غیررسمی که از این اعتبارات استفاده نمی‌کنند، به بهره‌وری و رشد بالاتری دست یابند.

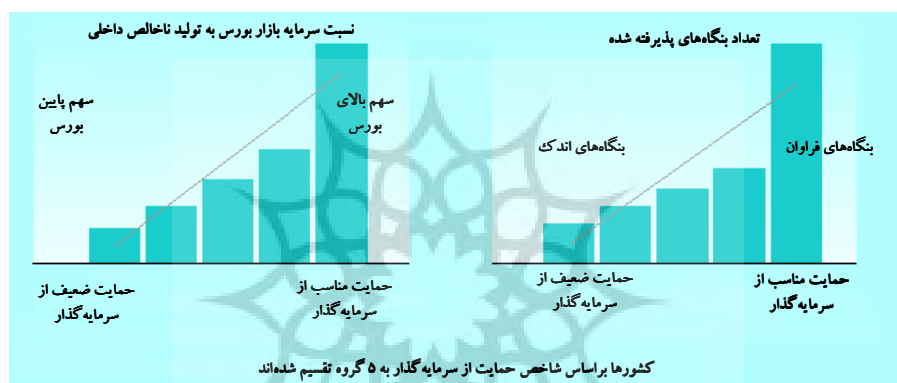
اصلاح این شاخص موجب می‌شود متقاضیان وام‌های بانکی در شرایطی رقابتی و با دست داشتن اطلاعات اعتباری بهتر، دسترسی بیشتری به اعتبارات پیدا کنند. البته اصلاح این شاخص به افزایش سطح وام‌ها و تسهیلات خلاصه نمی‌شود بلکه موجب کاهش ریسک نظام بانکی، افزایش سطح سرمایه‌گذاری، توسعه و گسترش بنگاه‌های کوچک و زودبازده، افزایش خوداشتغالی - به خصوص برای زنان و جوانان - و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی در بخش رسمی اقتصاد می‌گردد.

#### ۴-۶ رابطه اصلاح شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران و کاهش اقتصاد پنهان

اصلاح این شاخص از دیگر اقداماتی است که بر توسعه بخش رسمی اقتصاد مؤثر است. اصلاح شاخص‌های اصلی این بخش مانند سطح افشاگری، مسئولیت مدیران، پوشش اطلاعات و توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران موجب می‌شود که بنگاه‌ها به بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار اعتماد کنند و با انتقال سرمایه‌هایشان از اقتصاد غیررسمی به بخش رسمی اقتصاد موجب شکوفایی و رونق آن شوند و اقتصاد زیرزمینی را کوچک و محدود سازند.

بررسی‌های انجام شده در بانک جهانی (Ibid., p. 43) نشان می‌دهد در کشورهای که حمایت لازم از سرمایه‌گذاران انجام نمی‌شود و ریسک مصادره اموال بالاست، سهم سرمایه‌گذاری در کل تولید ناخالص داخلی نصف کشورهای است که از سرمایه‌گذاران

حمایت می‌کنند. به‌طور کلی اثربخشی اصلاح شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران را می‌توان در اندازه بازار بورس و حجم سهام مشاهده کرد، زیرا هنگامی که از سرمایه‌گذاران حمایت نشود، تمایل و انگیزه سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و این امر برای سرمایه‌گذاران کوچک که تسلطی بر تغییر وضع بازار ندارند بیشتر نمود می‌یابد. اصلاح شاخص‌های این حوزه موجب امنیت خاطر سرمایه‌گذاران از حفظ منافع‌شان می‌شود و حجم سرمایه‌گذاری در بازارهای ملی - و به خصوص بورس اوراق بهادار - افزایش می‌یابد.



Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, p. 43.

نمودار ۴ رابطه اصلاح شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران و افزایش حجم سرمایه در بازار بورس و

بنگاه‌های پذیرفته شده در بورس

مطابق نمودار ۴ حمایت مناسب از سرمایه‌گذار موجب پذیرش بنگاه‌های فراوانی در بازار بورس می‌شود و نسبت سرمایه موجود در بازار بورس به کل تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد؛ و برعکس، حمایت ضعیف از سرمایه‌گذار موجب بروز نارسایی‌هایی می‌شود که به‌طور مشخص در بازار بورس بازتاب می‌یابد.

بنابراین با افزایش تعداد بنگاه‌های فعال در بورس و افزایش سرمایه‌گذاری در سهام و ارتقای حجم معاملات، بنگاه‌های بخش رسمی که در بورس فعالیت می‌کنند منابع مالی

معتبری برای توسعه بنگاه‌های خود می‌یابند که این موضوع نیز به گسترش بخش رسمی اقتصاد در مقابل اقتصاد پنهان منجر می‌شود.

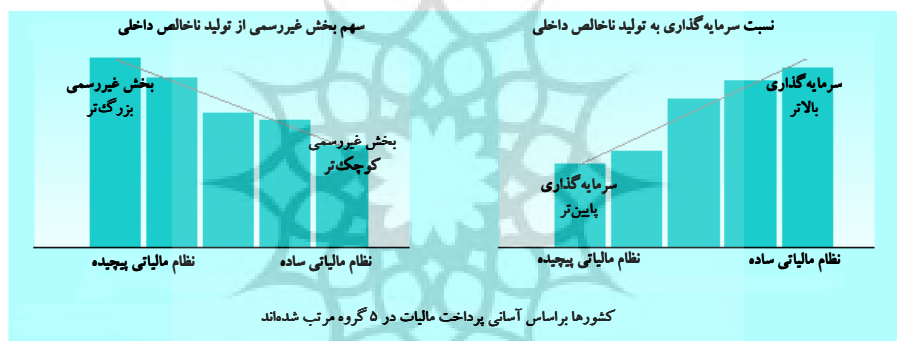
#### ۴-۷ رابطه اصلاح شاخص پرداخت مالیات و کاهش اقتصاد پنهان

انجام اصلاحات در این شاخص از مهم‌ترین اقداماتی است که به‌طور مستقیم بر توسعه بخش رسمی اقتصاد تأثیر می‌گذارد. اصلاح شاخص‌های اصلی این حوزه به معنای کاهش تعداد انواع مالیات، زمان مورد نیاز و کاهش حجم مالیات نسبت به سود ناخالص بنگاه تلقی می‌شود. دستیابی به نرخ‌های بهینه مالیات به منظور ایجاد تعادل میان حجم درآمدهای دولت و حفظ سود بنگاه امری ضروری است، زیرا به‌رغم وجود دلایل متعدد مبنی بر ضرورت گرفتن مالیات، اگر تعداد مالیات‌های پرداختی و زمان مورد نیاز برای پرداخت مالیات و همچنین سهم هزینه مالیاتی نسبت به کل سود ناخالص بنگاه بیش از حد بهینه باشد، بنگاه ناچار است که یا فعالیت خود را متوقف سازد و یا از بخش رسمی خارج شود و فعالیت خود را به اقتصاد زیرزمینی منتقل کند تا بتواند بدون حضور مانعی به نام مالیات به فعالیت اقتصادی خود ادامه دهد. هرچند این اقدام بنگاه‌ها را از بسیاری از مزایای فعالیت در بخش رسمی محروم می‌کند، ولی به‌رحال نسبت به قطع و توقف فعالیت بنگاه ترجیح دارد.

به‌رغم این موضوع، تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که دریافت مبالغ مالیاتی لزوماً با ارائه خدمات بهتر به بنگاه از طرف دولت ارتباط ندارد، زیرا نرخ‌های مالیاتی موجب بهبود شرایط اجتماعی به‌خصوص در مقوله‌های آموزشی، امید به زندگی، بهداشت کودکان، زیرساخت‌های مناسب و خدمات عمومی نمی‌شود و می‌توان عنوان کرد که پرداخت مالیات بالاتر در کشورهای در حال توسعه با نتایج اجتماعی بهتر همبستگی ندارد. به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که وجود مالیات‌های پیچیده و متعدد و حجم بالای هزینه‌های مالیاتی موجب افزایش پدیده رشوه و فساد اقتصادی می‌شود. به‌طور طبیعی ارتباط میان بنگاه‌های اقتصادی و ممیزان مالیاتی یکی از عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی است، زیرا فضا را برای اعمال سلیقه در



نوع ارزیابی مهیا می‌سازد. حال هر چقدر رویه‌های گرفتن مالیات پیچیده‌تر باشد و هر چقدر سهم بیشتری از سود بنگاه را به خود اختصاص دهد، انگیزه بنگاه برای پرداخت‌های غیررسمی بیشتر می‌شود و توان ممیزان مالیاتی برای دریافت رشوه و اعمال فشار بر بنگاه‌ها نیز بالاتر می‌رود، زیرا بنگاه‌ها در فضای پیچیده و غیرشفاف معمولاً از حقوق قانونی خود بی‌خبرند. خروج بنگاه‌ها از بازار رسمی و فعالیت آنها در اقتصاد پنهان موجب می‌شود که هیچ‌گونه مالیاتی نپردازند و بدین ترتیب از درآمد مالیاتی دولت نیز کاسته شود و ارائه خدمات اجتماعی از طرف دولت با مشکل مواجه گردد. نمودار ۵ نشان می‌دهد که نظام مالیاتی ساده سطح سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد و بخش غیررسمی را کوچک‌تر می‌کند.



Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, p. 51.

**نمودار ۵** رابطه میان پیچیدگی نظام مالیاتی با بخش غیررسمی بیشتر و سرمایه‌گذاری کمتر

اصلاح نظام مالیاتی به رغم ایجاد مزایایی برای بنگاه‌ها از دو نظر به نفع دولت تمام می‌شود. از یک طرف با ورود بنگاه‌های بیشتر به بخش رسمی، دولت درآمد بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند با کاهش نرخ‌های مالیاتی و ایجاد رونق در بنگاه‌ها سطوح درآمدی پیش‌بینی شده خود را محقق سازد؛ و از طرف دیگر، با کاهش پیچیدگی نظام مالیاتی هزینه کمتری برای گرفتن مالیات به دولت تحمیل می‌شود. با انجام این اصلاحات هزینه دریافت

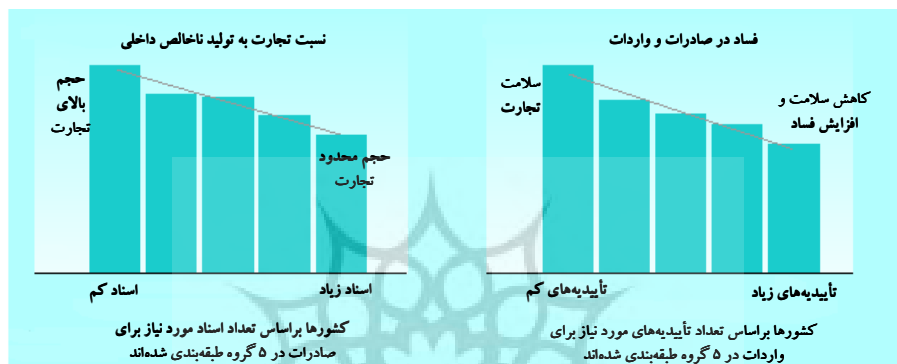
هر واحد مالیات پایین تر برآورد می شود و در نتیجه هزینه ای که دولت صرف گرفتن مالیات می کند نیز کاهش می یابد.

به طور کلی اصلاح شاخص های بخش مالیات در فضای کسب و کار می تواند بنگاه های اقتصادی را به فعالیت بیشتر تشویق کند، کاهش بار مالیاتی و سودآوری بنگاه ها را بیشتر سازد، و آنها را به انجام سرمایه گذاری در بخش رسمی اقتصاد ترغیب کند. بررسی های بانک جهانی نشان می دهد یک درصد کاهش نرخ مالیات بر شرکت ها موجب افزایش ۳/۷ درصدی تعداد بنگاه های فعال در بخش رسمی می شود که این امر خود به افزایش ۱/۱ درصدی سطح اشتغال در بخش رسمی می انجامد (Ibid., p. 51). این اقدام را می توان به عنوان یکی از اصلی ترین راهکاری مؤثر در کاهش اقتصاد پنهان و زیرزمینی و محدود شدن بخش غیررسمی در اقتصاد قلمداد کرد.

#### ۴-۸ رابطه اصلاح شاخص تجارت خارجی و کاهش اقتصاد پنهان

انجام اصلاحات در این شاخص از دیگر اقداماتی است که به طور مستقیم بر توسعه بخش رسمی در اقتصاد مؤثر است و موجب کاهش فعالیت تجارت در بخش غیررسمی و یا به عبارتی قاچاق می شود. کاهش زمان، اسناد، تأییدیه ها و هزینه مورد نیاز برای صادرات و واردات موجب ایجاد مزیت برای تجارت رسمی در قلمرو گمرکی مشخص می شود و وجود تنگناها و مشکلات متعدد در این بخش به توسعه بخش رسمی و قاچاق می انجامد. به طور کلی هزینه های تجاری به دو صورت هزینه های تعرفه ای و غیرتعرفه ای به صادرکنندگان و واردکنندگان تحمیل می شود. موانع غیرتعرفه ای که به دو صورت موانع فنی و موانع غیرفنی به بازرگانان تحمیل می شوند، از عوامل محدودکننده تجارت به شمار می آیند که براساس قواعد و قوانین سازمان جهانی تجارت، لازم است به طور کامل حذف شوند. یکی از موانع اصلی پیش روی بازرگانان، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، هزینه های ناشی از تشریفات گمرکی و حمل و نقل کالا است که در بسیاری از مواقع از هزینه تعرفه ای که کشورهای توسعه یافته بر کالاهای خود وضع می کنند بیشتر است.

بنابراین نقش تعرفه‌ها در سیاست‌های تجاری کشورهایی که هزینه‌های گمرکی بالایی دارند کم‌رنگ است، زیرا براساس مطالعات بانک جهانی (Ibid., p. 58) هر روز تأخیر در تشریفات گمرکی کالاهای صادراتی هزینه‌ای معادل ۰/۵ درصد ارزش کالا به صاحب کالا تحمیل می‌کند؛ یعنی تأخیر ۱۰۰ روزه کالا در گمرک به منزله ضرری معادل نصف ارزش کالا است.



Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation, p. 59.

#### نمودار ۶ رابطه قوانین دست‌وپاگیر تجاری با تجارت کمتر و فساد بیشتر

نمودار ۶ نشان‌دهنده آن است که اصلاح شاخص فضای تجاری به‌طور مستقیم بر افزایش حجم تجارت در کل اقتصاد تأثیر می‌گذارد و با افزایش فساد در تجارت رابطه معکوس دارد. بنابراین بی‌توجهی به اصلاح این شاخص به افزایش فساد اقتصادی و توسل فعالان اقتصادی به بخش غیررسمی تجارت (قاچاق) خواهد شد. در کشورهایی که پیچیدگی تشریفات گمرکی و هزینه ناشی از آن موجب از بین رفتن مزیت تجاری و محدودیت آن می‌شود، بنگاه‌های فعال در این حوزه برای پرهیز از برخورد با موانع تجاری و درخواست رشوه که از طرف مأموران گمرک مطرح می‌شود، مسیر تجارت خود را از بخش رسمی خارج می‌کنند و به قاچاق روی می‌آورند. اصلاح این شاخص از چند جهت

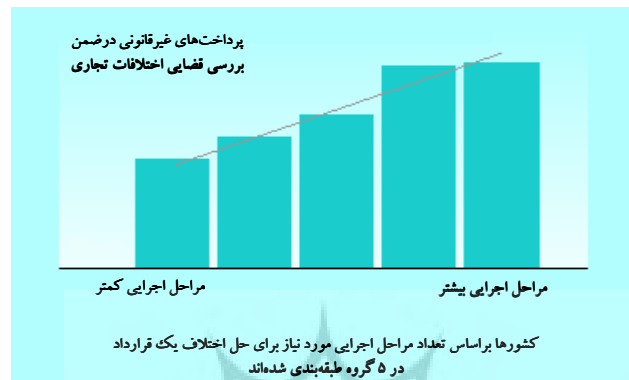
می‌تواند موجب کاهش فساد شود. از طرفی آسانی و تسهیل امور تجاری موجب شفاف شدن حقوق بازرگانان و کاهش احتمال فساد و رشوه می‌شود، زیرا بازرگانان نیازی به پرداخت رشوه برای پیشرفت کار خود ندارند؛ و از طرف دیگر صاحب کالا دلیلی برای خروج از مسیر رسمی تشریفات گمرکی و توسل به قاچاق نمی‌بیند و از مزایای تجارت رسمی نیز بهره‌مند می‌شود. در این شرایط دولت می‌تواند از ابزار نظارتی خود در رعایت کیفیت کالاهای وارداتی به منظور حمایت از مصرف‌کننده داخلی و رعایت کیفیت کالاهای صادراتی به منظور حفظ بازارهای هدف استفاده کند و درآمد خود را نیز از طریق مالیات بر واردات محقق سازد. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سطح تقاضا پایین است و وجود مفاسد اقتصادی موجب تحمیل هزینه‌های مضاعفی به بنگاه می‌شود. در این شرایط یکی از اقداماتی که می‌تواند به ادامه فعالیت بنگاه در بخش رسمی کمک شایانی کند، کاهش هزینه‌های تجارت از طریق اصلاح شاخص تجارت خارجی در فضای کسب‌وکار است تا مزیت بنگاه برای فعالیت در بخش رسمی اقتصاد حفظ شود.

#### ۹-۴ رابطه اصلاح شاخص ضمانت اجرای قراردادهای و کاهش اقتصاد پنهان

انجام اصلاحات در این شاخص نیز از دیگر راهکارهایی است که بر گسترش بخش رسمی اقتصاد مؤثر است و موجب کاهش اقتصاد زیرزمینی می‌شود. کاهش تعداد مراحل اداری و همچنین زمان و هزینه مورد نیاز برای بررسی پرونده‌های موضوع اختلاف از جمله اقداماتی است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر کاهش اقتصاد پنهان و فساد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. اطمینان از اجرای صحیح قراردادها موجب می‌شود که مؤسسات تأمین مالی با اطمینان بیشتر منابع و تسهیلات اعتباری را در اختیار فعالان اقتصادی بگذارند. زمان‌بر و هزینه‌بر بودن پیگیری پرونده‌های تجاری در کشورهایی که دادگاه‌ها و مراکز حل اختلاف ناکارآمد دارند، با ریسک بالایی مواجه است و اعتبارات کمتری نیز به بنگاه‌هایی که در فضای رسمی فعالیت می‌کنند پرداخت می‌شود. این خود موجب عدم توسعه بنگاه‌های

اصلاح شاخص فضای کسب و کار، عاملی مؤثر بر کاهش ... ۸۳

رسمی می گردد و نیاز مالی این بنگاه‌ها معمولاً از طریق منابع بخش غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی تأمین می شود، و این به گسترش اقتصاد پنهان دامن می زند.



Source: Doing Business in 2006 (Creating Jobs), World Bank and the International Finance Corporation p. 65.

**نمودار ۷** رابطه کاهش مراحل اداری بررسی اختلافات تجاری با فساد و رشوه کمتر

مطابق نمودار ۷ در کشورهایی که شاخص ضمانت اجرای قراردادها ضعیف است، مراحل اجرایی حل اختلاف پرونده قراردادها تجاری زیاد است و این امر با افزایش پرداخت‌های غیررسمی و غیرقانونی تحت عنوان رشوه ضمن بررسی پرونده‌ها ارتباط مستقیم دارد. یعنی در واقع بی توجهی به اصلاح شاخص ضمانت اجرای قراردادها به منزله افزایش فساد اقتصادی و اقتصاد زیرزمینی است.

وجود دادگاه‌های ناکارآمد موجب می شود که انگیزه فعالیت در بخش رسمی در فعالان اقتصادی کم رنگ گردد. رویه‌های دادگاهی پردردسر و زمان‌بر از جمله موانع آتی بنگاه‌ها در زمان برخورد با اختلاف محسوب می شود و بنگاه‌ها با پیش‌بینی مشکلات موجود سعی می کنند به بخش رسمی اقتصاد وارد نشوند. زیرا بخش غیررسمی فارغ از قراردادهای رسمی و در چارچوب رویه‌های اقتصاد زیرزمینی فعالیت می کنند و از مراجعه به مراجع غیررسمی حل اختلاف بی نیاز است.

همچنین با انجام اصلاحات قضایی در بخش‌های حل اختلاف و ساده‌سازی فرایندهای بررسی پرونده‌های اختلافی، زیرساخت‌ها و نیروی انسانی کمتری به این امر اختصاص می‌یابد و دولت می‌تواند با صرفه‌جویی در هزینه‌های خود، اعتبار بیشتری را به سیاست‌های رونق کسب و کار در بخش رسمی اقتصاد اختصاص دهد. به علاوه، زمانی که فرایندهای قضایی ساده باشند، بنگاه‌ها از آنها به عنوان ابزاری مفید استفاده می‌کنند؛ ولی قوانین پیچیده که درک و فهمشان برای عموم دشوار است، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند و فعالان اقتصادی ترجیح می‌دهند از رویه‌های غیررسمی - و گاه غیرقانونی - برای حل اختلاف خود استفاده کنند.

#### ۱۰-۴ رابطه اصلاح شاخص تعطیلی کسب و کار و کاهش اقتصاد پنهان

انجام اصلاحات در این شاخص از دیگر اقداماتی است که به گسترش بخش رسمی اقتصاد و کاهش حجم اقتصاد زیرزمینی می‌انجامد. کاهش زمان و هزینه مورد نیاز برای تعطیلی کسب و کار و افزایش نرخ وصول بدهی‌ها بعد از اعلام ورشکستگی موجب ترغیب بنگاه‌ها برای ورود به کسب و کار رسمی می‌شود، زیرا از ابتدا می‌دانند که برای خروج از کسب و کار با موانعی غیرفنی مواجه نمی‌شوند. اعمال قوانین و قواعد سخت گیرانه پیش روی تعطیلی بنگاه موجب می‌شود که نرخ وصول بدهی‌های بنگاه کمتر گردد. این پارامتر عاملی بازدارنده برای سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، زیرا با بالا بردن ریسک اعطای تسهیلات مالی، دسترسی بنگاه‌ها به اعتبارات کاهش می‌یابد. انجام اصلاحات در شاخص ورشکستگی موجب می‌شود که بنگاه‌ها به شروع تازه فعالیت تشویق شوند. با آزاد گذاشتن بنگاه‌ها به شروع فعالیت و اینکه در صورت شکست بتوانند سریع از بازاری به بازار دیگر بروند، موجب می‌شود که کسب و کارها مؤثرتر باشند منتقل می‌گردند و با فعالیت در بخش‌های دارای مزیت و سودده ادامه کار دهند، بنگاه‌ها مولد می‌شوند و مشاغل بیشتری ایجاد می‌کنند. به‌طور کلی انجام اصلاحات برای آسان‌سازی خروج بنگاه‌ها و یا تجدید ساختار آنها فضای مناسب‌تری را پیش روی بنگاه‌ها برای ورود به فعالیت و شروع کسب و کار ترسیم می‌کند و این اصلاحات موجب گسترش بخش غیررسمی اقتصاد می‌شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اصلاح فضای کسب و کار و اعمال محدودیت برای اقتصاد پنهان به‌طور مستقیم با کاهش ریشه‌ای و پایدار مفاسد اقتصادی رابطه دارد، زیرا کلیه فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه به دلیل تمایل به مخفی ماندن از نظارت ضابطان قضایی، در بخش اقتصاد پنهان فعالیت می‌کنند. بسیاری دیگر از فعالان اقتصادی نیز به دلایل مختلف مانند فرار مالیاتی، استفاده غیرمجاز از نیروی کار، عدم دریافت مجوزهای قانونی و نظایر اینها به فعالیت در بخش غیررسمی می‌پردازند. بنابراین انجام هرگونه اصلاحاتی در فضای کسب و کار که برای فعالیت در بخش رسمی مطلوبیت ایجاد کند و باعث محدودیت فعالیت در اقتصاد پنهان شود، به کاهش مفاسد اقتصادی می‌انجامد.

انجام اصلاحات در فضای کسب و کار و رفع موانع موجود پیش روی فعالان اقتصادی، ریسک ورود به فعالیت در فضای رسمی را کاهش می‌دهد و موجب رشد و گسترش فعالیت بنگاه‌ها در اقتصاد رسمی، افزایش اشتغال رسمی و گسترش چتر حمایتی از فعالان اقتصادی در خصوص اموری مانند مستمری بازنشستگی، بیمه درمان و مقررات ایمنی کار می‌شود. انجام اصلاحات در هر کدام از ۱۰ شاخص فضای کسب و کار به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رشد بخش رسمی و کاهش اقتصاد پنهان مؤثر است. با این حال، با توجه به بررسی انجام شده می‌توان سه عامل «حجم مالیات، مقررات اشتغال و تشریفات تجاری» را به‌عنوان عوامل اصلی مؤثر بر ایجاد مطلوبیت در بخش رسمی برشمرد.

### پیشنهادها

۱. اولین راهکار توصیه به سیاست‌سازان کشور است که سیاست‌گذاران را به انجام اصلاحات در فضای کسب و کار تشویق کنند و بر مزایای چندجانبه آن تأکید ورزند.
۲. تجربه کشورها نشان می‌دهد قیدی ضروری که در ضمن انجام این مطالعه در فضای کسب و کار لازم است مورد نظر قرار گیرد، حفظ ثبات اقتصادی به‌خصوص در حوزه قوانین و امکان پیش‌بینی بخش‌های اقتصادی از فضای پیش‌روست.

۳. اصلاحات اساسی در این حوزه در قالب برنامه‌های میان‌مدت اقتصادی کلان توصیه می‌شود و برای پرهیز از به‌هم‌ریختگی و از هم‌پاشیدگی اقتصادی می‌توان این اصلاحات را براساس بخش‌های دارای اولویت که کمترین اثر سوئی را در برداشته باشد شروع کرد.

۴. برای رعایت این قید، به‌رغم تأثیرگذاری اصلاحات در هر ۱۰ شاخص فضای کسب‌وکار بر رشد بخش رسمی و کاهش اقتصاد پنهان، سطوح مختلف اصلاحات در مواردی از این دست خلاصه می‌شود:

#### ۴-۱. سطح اول: اقدامات اولیه، اساسی و اثربخش

در پیش گرفتن سیاست‌هایی مرتبط با اصلاح سه شاخص پرداخت مالیات، اشتغال و تجارت خارجی، که با توجه به اهمیتشان می‌توانند بیشترین آثار را در توسعه بخش رسمی و کاهش اقتصاد پنهان داشته باشند. اصلاح این سه شاخص، به‌طور کلی قوانین و مقرراتی به‌شرح زیر را هدف‌گذاری می‌کند:

##### ۴-۱-۱. شاخص پرداخت مالیات

- اصلاح قوانین مالیاتی (مستقیم و غیرمستقیم)
- اصلاح نظام اداری دریافت مالیات
- تدوین نظام مالیات بر ارزش افزوده
- مقررات مربوط به اجتناب از گرفتن مالیات مضاعف
- مقررات مربوط به جلوگیری از فرار مالیاتی
- مقررات مربوط به معافیت‌های مالیاتی
- مقررات مربوط به استرداد مالیاتی
- مقررات مربوط به جرائم مالیاتی

##### ۴-۱-۲. شاخص استخدام و اخراج نیروی کار (اشتغال)

- قانون کار

- قانون بازنشستگی



- مقررات اشتغال
- مقررات استخدام
- مقررات حقوق و دستمزد
- مقررات ساعات کار
- مقررات ایمنی کار
- مقررات حداقل دستمزد اجباری
- مقررات تأمین اجتماعی
- مقررات مربوط به کار یابی
- ۳-۱-۴. شاخص تجارت خارجی
- قانون تجارت
- قانون امور گمرکی
- مقررات صادرات و واردات
- نظام تعرفه‌ها
- مقررات حمل و نقل
- مقررات بازرسی قبل از حمل
- تجارت الکترونیک
- قانون اتاق بازرگانی
- معافیت‌های تعرفه‌ای، گمرکی و تجاری

۲-۴. سطح دوم اقدامات ضروری  
در پیش گرفتن سیاست‌هایی مرتبط با اصلاح شاخص شروع کسب و کار، شرایط گرفتن مجوز، ثبت رسمی دارایی‌ها و ورشکستگی را می‌توان از اقدامات اصلی دیگر تلقی کرد که در مرحله بعد لازم است مدنظر قانون‌گذار قرار گیرد. اصلاح این سه شاخص به‌طور کلی قوانین و مقرراتی را بدین شرح هدف گذاری می‌کند:

۴-۲-۱. شاخص شروع کسب و کار

• قانون آزادی فعالیت اقتصادی

• مقررات راه اندازی کسب و کار

• قانون شرکت‌ها

۴-۲-۲. شاخص شرایط دریافت مجوز

• مقررات کسب مجوز

• مقررات ساختمان سازی

• قانون پارامترهای فنی که رعایشان ضروری است

• مقررات منطقه بندی شهرداری‌ها

• قانون گرفتن جواز شعبه یا نمایندگی‌های خارجی

۴-۲-۳. شاخص ثبت رسمی دارایی‌ها

• قانون ثبت اموال، اسناد و املاک

• قانون ثبت شرکت‌ها

۴-۲-۴. شاخص مقررات ورشکستگی

• قانون ورشکستگی، تصفیه و انحلال شرکت‌ها

۴-۳. سطح سوم: اقدامات تکمیلی

در پیش گرفتن سیاست‌هایی مرتبط با اصلاح سه شاخص اعتبارات مالی، حمایت از

سرمایه گذاران و ضمانت اجرای قراردادها از دیگر اقداماتی است که می‌بایست به منظور

تکمیل اقدامات قبلی مدنظر قرار گیرد.

۴-۳-۱. شاخص دریافت تسهیلات مالی

• قانون بانکداری

• مقررات فعالیت بانک‌های خصوصی

• مقررات مربوط به بازار غیرمتشکل پولی

۲-۳-۴. شاخص حمایت از سرمایه گذاران

- قانون بورس
- مقررات معاملات
- قانون اجرایی احکام قضایی
- قانون رویه‌های حقوقی
- ۳-۳-۴. ضمانت اجرای قراردادها
- مقررات مربوط به قراردادها

• مقررات مربوط به مراجع حل اختلاف و مراجع قضایی

۵. باید توجه داشت که در برخی از موارد ممکن است، قوانین و مقررات مناسبی وجود داشته باشد ولی اجرای درست آنها بسیار مهم‌تر از نوشتن قوانین خوب است. مصمم بودن دولت به اجرای ساده‌سازی قوانین، می‌تواند از طریق حذف سازمان‌های متعدد مسئول نظارت و تجمیع آنها در یک یا چند سازمان محدود، نمایان شود.

## منابع و مأخذ

- اشرف‌زاده، حمیدرضا، ۱۳۷۸. «تخمین اقتصاد زیرزمینی»، مجموعه مقالات سمینار قاچاق، دانشگاه تربیت مدرس.
- بانک جهانی و شرکت تأمین مالی بین‌الملل، ۱۳۸۶. *انجام کسب‌وکار در سال ۲۰۰۶ میلادی* (ایجاد فرصت‌های شغلی)، مترجم دکتر جعفر خیرخواهان، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- خلعتری، فیروزه، «اقتصاد زیرزمینی» مجله رونق، سال اول، شماره ۱ و ۲.
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸. «بحثی فشرده درباره اشتغال و توسعه بخش غیررسمی»، کد ۴۱۰۴۷۰۶.
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹. «رهنمودهایی بر ایجاد اشتغال مبتنی بر اهمیت بخش غیررسمی».
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲. «برآورد اقتصاد زیرزمینی و تحلیل علل شکل‌گیری آن در ایران با استفاده از الگوهای منطبق فازی»، مسلسل ۶۸۶۲.
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «نقدی بر رهنمودهای اشتغال و بازار کار در برنامه سوم»، گزارش ۴۱۰۴۶۴۷.
- رفعتی، ۱۳۷۶. «بررسی قاچاق کالا در ایران»، ماهنامه بررسی بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی مورخ ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری.
- عرب‌مازار یزدی، علی، ۱۳۸۰. *اقتصاد سیاه در ایران*، پایان‌نامه دکتری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱. *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی*، دو جلد، تهران، شرکت نشر البرز.
- قره‌باغیان، مرتضی، ۱۳۷۶. *فرهنگ اقتصاد و بازرگانی*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مریدی، سیاوش و علی‌رضا نوروزی، ۱۳۷۳. *فرهنگ اقتصادی*، تهران، مؤسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه.

Bhattacharyya Dilip, On the Eco, 1999. "Rational of Estimating the Hidden Economy", Economic Journal, June.

Cule Monika (2006), *Corruption, the Unofficial Economy and the Public Goods in Transition Countries*, Dissertation, University of Saskatchwan.

<http://bashgah.net/pages-6371.html>

Kausik Chaudhuri, Freidrich Schneider, and Sumana Chattopadhyay, 2006. "The Size & Development of the Shadow Economy", An Empirical Investigation From States of India, Journal of Development Eco., vol. 80.

Keith Hart, 1987. *Informal Economy*, the New Palgrave a Dictionary of Economics London. McMillan Press.

World Bank and the International Finance Corporation, 2006. *Doing Business in 2006* (Creating Jobs).

World Bank and the International Finance Corporation, 2006. *Doing Business in 2007* (How to Reform).

